

# افغانستان

گزارش سالانه در مورد محافظت افراد ملکی  
در جریان درگیری های مسلحانه ای سال 2009



بخش حقوق بشر، دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان  
کابل، جنوری سال 2010



دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان



گزارش سالانه در مورد محافظت افراد ملکی

در جریان درگیری های مسلحانه ای سال 2009



دفتر یوناما

بخش حقوق بشر دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان



## فهرست مندرجات

### خلاصه اجرایی

I. تاثیر درگیری مسلحانه بالای افراد ملکی در سال 2009

### II. عناصر ضد دولت

عناصر ضد دولت و تلفات افراد ملکی  
حملات انتحاری و بمب های تعبیه شده  
قتل ها، تهدیدات و ارعاب

### III. نیروهای طرفدار دولت

نیروهای طرفدار دولت و تلفات افراد ملکی  
حملات هوایی  
موقعیت پایگاه های نظامی  
عملیات جستجو و دستگیری  
تلاشی و حملات علیه مراکز صحنی  
پاسخ دهی/جبران خسارت

IV. نتیجه گیری .....

ضمایم .....

فرهنگ اصطلاحات فنی .....

گراف های الحاقی .....



## خلاصه اجرایی

تشدید و گسترش درگیری های مسلحانه در افغانستان پیوسته باعث تلفات سنگین بالای افراد ملکی در طی سال 2009 گردید. حد اقل به تعداد 5,978 فرد ملکی در جریان سال 2009 کشته و زخمی گردیدند که بلند ترین رقم تلفات ملکی ثبت شده از زمان سقوط رژیم طالبان در سال 2001 بدینسو را نشان میدهد. افغانستان در مناطق جنوب کشور، جاییکه درگیری ها شدت بیشتر داشته، بیشتر متاثر گردیدند. تقریباً نصف مجموع تلفات ملکی، یعنی 45 درصد آن، در مناطق جنوب به وقوع پیوست. همچنان ارقام بلند تلفات در مناطق جنوب شرقی (15 درصد)، شرقی (10 درصد)، مرکزی (12 درصد) و غربی (8 درصد) نیز گزارش داده شده اند. مناطق قبلاً باثبات مانند شمالشرق، منجمله ولایت کندز نیز شاهد ناامنی روبه افزایش بود. بر علاوه تعداد روبه افزایش تلفات ملکی، مردم متاثر از درگیری نیز معیشت شانرا از دست داده و متحمل مهاجرت داخلی، و تخریب ملکیت و دارایی های شان گردیدند.

بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) به تعداد مجموعاً 2,412 نفر تلفات ملکی را بین اول ماه های جنوری و 31 دسامبر 2009 ثبت نمود. این رقم 14 درصد افزایش را در تعداد 2,118 نفر تلفات ملکی که در سال 2008 ثبت گردیده بود نشان میدهد. از جمله تعداد 2,412 نفر تلفات ملکی که در سال 2009 گزارش داده شد، تعداد 1,630 نفر (67 درصد) به مخالفین حکومت و تعداد 596 نفر (25 درصد) آن به نیروهای طرفدار حکومت نسبت داده شده اند. مبتاقی 186 نفر (8 درصد) دیگر به هیچ یک از طرف های درگیر نسبت داده نشده اند، چراکه بعضی از آنها از اثر تبادل آتش یا اشیای منفجرناشده جان های شانرا از دست دادند. مخالفین حکومت مسئول بخش وسیع تلفات ملکی بوده اند. نظریه گزارش، تلفات ملکی ناشی از مخالفت های مسلحانه، افزایش 41 درصدی را بین سالهای 2008 و 2009 نشان میدهد. که رقم تلفات را از 1,160 نفر به 1,630 نفر بالا برد. تلفات ملکی در سال 2009 که از اثر فعالیت های شورشی صورت گرفت با مقایسه به تلفاتی که از سوی نیروهای طرفدار حکومت وارد گردید، سه برابر بود. تعداد 1,054 نفر ملکی قربانی حملات انتحاری و اشیای تعبیه شده ای انفجاری از سوی مخالفین حکومت و تعداد 225 نفر ملکی دیگر قربانی کشتار و اعدام های عمدی گردیدند. این ارقام بخش اعظم تلفات، یعنی 53 درصد تعداد مجموعی تلفات ملکی را که ناشی از فعالیت های مخالفین حکومت است را در سال 2009 تشکیل میدهد. در مجموع، استفاده از این تکنیک ها (حملات انتحاری و اشیای تعبیه شده انفجاری)، 78 درصد تلفات غیرنظامی را که به مخالفین مسلح نسبت داده شده تشکیل میدهد. متباقی تلفاتی که در نتیجه فعالیت های مخالفین حکومت صورت گرفته ناشی از حملات راکتی و روبرویی زمینی که عابرین و تماشگران را مستقیماً متاثر ساخته، میباشد.

حملات انتحاری از سوی مخالفین حکومت بیشتر از هر تکنیک دیگر باعث تلفات زیاد افراد ملکی گردید که جان تعداد 1,054 نفر ملکی یا 44 درصد مجموع تلفات ملکی در سال 2009 را گرفت. باوجودیکه هدف این حملات آماج قراردادن نیروهای حکومتی و بین المللی بود، اما این حملات اکثراً در ساحات رفت و آمد افراد ملکی صورت میگردند. همچنان افراد ملکی در پیوند با همکاری یا ارتباط داشتن با حکومت یا جامعه جهانی عمداً هدف سوء قصد، اختطاف و اعدام قرار گرفته اند. یک تعداد زیاد افراد ملکی، بشمول بزرگان محل، پرسونل اسبق عسکری، داکتران، معلمین و کارگران ساختمانی آماج این حملات قرار گرفته اند. کارمندان سایر نهاد ها، مانند ملل متحد و مؤسسات غیردولتی نیز مورد آماج قرار گرفته و اکثراً تهدید و در بعضی موارد قربانی خشونت گردیدند. مخالفین مسلح از طریق این عملکردها یک بی اعتنایی بزرگ را در برابر زبانی که به افراد ملکی وارد مینماید نشان داده اند. خود را در میان افراد ملکی آمیختن و استفاده مکرر از منازل مسکونی بعنوان مراکز جنگ، افراد ملکی را در معرض خطر حمله از سوی نیروهای امنیتی ملی افغان و نیروهای نظامی بین المللی قرار میدهند. نیروهای طرفدار حکومت، یعنی نیروهای امنیتی ملی افغان و نیروهای نظامی بین المللی، مسئول تعداد 596 نفر تلفات ملکی ثبت شده هستند که 25 درصد مجموع تلفات ملکی ثبت شده در سال 2009 را تشکیل میدهد. این رقم یک کاهش 28 درصدی را از مجموع تعداد تلفات ملکی نسبت داده شده به نیروهای طرفدار حکومت در سال 2008 نشان میدهد. این کاهش منعکس کننده تدابیری است که از سوی نیروهای نظامی بین المللی غرض انجام عملیات نظامی به شیوه ای که خطر را به افراد ملکی کاهش دهد اتخاذ گردیده است.

علی الرغم بعضی گرایش های مثبت، اقدامات که از سوی نیروهای طرفدار حکومت رویدست گرفته می شد پیوسته تلفات ناگوار را بالای افراد ملکی بجا میگذارد. بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) به تعداد 359 نفر تلفات ملکی را که از اثر حملات هوایی کشته شده اند ثبت نمود که 61 درصد تعداد

مجموعی تلفات ملکی را که به نیروهای طرفدار حکومت نسبت داده میشود، تشکیل میدهد. این رقم 15 درصد تعداد مجموعی افراد ملکی را که در جریان درگیری های مسلحانه در سال 2009 کشته شده اند، نشان میدهد. همچنان نیروهای امنیتی ملی افغان و نیروهای نظامی بین المللی یک تعداد عملیات زمینی، بشمول عملیات وسیع جستجو و دستگیری را نیز انجام دادند که منجر به تلفات افراد ملکی گردید. این عملیات اکثراً شامل استفاده بیش از حد نیرو، تخریب ملکیت و عدم رعایت حساسیت های فرهنگی، به ویژه در برابر زنان می باشند.

بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) در مورد موقعیت مراکز نظامی، به ویژه مراکزی که در داخل یا نزدیک ساحات تجمع مردم ملکی قرار دارند، تاهنوز هم نگران است. موقعیت و نزدیکی همچو مراکز با مردم ملکی خطرات روبه افزایش را که مردم ملکی به آن مواجه اند در قبال داشته، زیرا همچو تأسیسات نظامی اکثراً از سوی مخالفین مسلح مورد آماج قرار میگیرند. افراد ملکی در نتیجه نزدیکی موقعیت آنان با مراکز نظامی کشته و زخمی گردیده، منازل و ملکیت آنان آسیب دیده و یا تخریب شده است که این کار منجر به از دست دادن وسایل امرار معیشت و درآمد آنان شده میتواند. با توجه به گیرماندن افراد ملکی در میان تبادل آتش یا قربانی شدن آنها توسط حملات مخالفین حکومت بالای تأسیسات نظامی حکومت یا نیروهای طرفدار آن، موقعیت مراکز نظامی در داخل یا مجاورت ساحات رهاییشی همجوار نیز باعث ایجاد ترس، عدم اعتماد میان مردم محل و مخالفت در برابر نیروهای نظامی بین المللی گردیده است.

در سال 2009، نیروهای نظامی بین المللی اقدامات استراتژیکی و مشخص را جهت کاهش تلفات ملکی اتخاذ نمودند. تغییر فرماندهی نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف)، ساختارهای واضح تر فرماندهی، و رهنمود های (دایرکتیف) جدید تکتیکی همه در تقویت تلاشها از سوی آیساف جهت کاهش تأثیرات درگیری های مسلحانه بالای افراد ملکی کمک نموده است. باوجود آنهم ایجاد یک مرکز پیگیری تلفات ملکی، در سال 2008 در آیساف (مشابه میکانیزم پیگیری در مرکز فرماندهی عمومی نیروهای ایالات متحده در افغانستان) در رسیدگی به موقع به نگرانی های یوناما وسیعاً غیر موثر بوده است. نیاز است تا غرض بهبودی در مرکز پیگیری تدابیری اتخاذ شود تا بتواند در خصوص رویدادهای تلفات ملکی بیشتر پاسخ گو و موثر باشد.

گزارش سال 2009 در مورد محافظت افراد ملکی در جریان درگیری های مسلحانه در مطابقت به مأموریت هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) که توسط قطعنامه شماره 1868 (2009) شورای امنیت ملل متحد تصویب گردید، تهیه شده است. بخش حقوق بشر یوناما یک سلسله فعالیت های را به هدف کاهش تأثیرات جنگ بالای افراد ملکی راه اندازی مینماید که این فعالیت ها شامل نظارت مستقلانه و بیطرفانه حوادثی که از اثر آن به افراد ملکی تلفات یا جراحات وارد میشوند و همچنان تحلیل رویداد ها جهت شناسایی حالات ضمنی که در آن تلفات ملکی واقع میشود میباشد. کارمندان حقوق بشر یوناما (اعم از کارمندان داخلی و خارجی) که در سراسر افغانستان مؤظف گردیده اند، از تکتیک های جامع غرض آوری معلومات در مورد قضایای مشخص بدون در نظر داشت محل و عاملین مسؤل آن استفاده مینمایند. این معلومات از حیث اعتبار و موثق بودن آن جهت قناعت کارمند تحقیق کننده ای حقوق بشر، با منابع مختلف قبل از درج جزئیات آن در پایگاه معلوماتی مربوط بطور مکمل مورد ارزیابی و تحلیل قرار میگیرد، در زمینه یک پایگاه معلوماتی الکترونیکی در ماه جنوری سال 2009 ایجاد گردید. این پایگاه معلوماتی طوری طرح ریزی شده است که زمینه جمع آوری و تحلیل معلومات، بشمول تفکیک سن و سال و جنس را تسهیل میکند. باوجود آنهم، بنابر محدودیت های ناشی از فضای کاری یا عملیاتی، مانند ماهیت مشترک بعضی عملیات ها و عدم توانایی منابع اصلی، در بسیاری مواقع غرض تشخیص یا تمیز دقیق میان مراجع مختلف نظامی و شورشیان، بخش حقوق بشر یوناما مسئولیت در خصوص رویداد های خاص را میان آنان به جز از نسبت دادن آنها به "نیروهای طرفدار حکومت" یا "مخالفین حکومت" تفکیک نمی نماید. بخش حقوق بشر یوناما ادعای دقیق بودن آمار ارائه شده در این گزارش را ننموده و تعداد تلفات ملکی را با توجه به محدود بودن فضای کاری، که یکی از دلایل عدم دقیق بودن آمار بوده میتواند، ممکن کمتر گزارش داده است.

معلومات بخش حقوق بشر یوناما در مورد افراد تلفات ملکی بطور روزمره، هم بطور داخلی و هم بطور خارجی، از طریق سرمنشی ملل متحد، نماینده خاص سرمنشی ملل متحد (یوناما)، هماهنگ کننده کمکهای بشری اضطراری، دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر ملل متحد، و سایر میکانیزم های لازم ملل متحد در اختیار شورای امنیت قرار میگیرد. بخش حقوق بشر یوناما یکجا با سایر نهادها، بشمول مقامات افغانستان، نیروهای نظامی بین المللی و دیگران بخاطر تحکیم پیروی از قوانین بین المللی بشردوستانه و حقوق بشر طرفداری مینماید. همچنان این بخش همراه با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، جوامع بشری، و اعضای نهاد های جامعه مدنی فعالیت های وسیع را پیرامون مسایل مربوط به درگیری های مسلحانه، و محافظت افراد ملکی انجام میدهد.

سال 2009 بدترین سال برای افراد ملکی که بنابر درگیری های مسلحانه متأثر گردیده اند، بود. بخش حقوق بشر یوناما بلندترین رقم تلفات ملکی را از زمان سقوط رژیم طالبان در سال 2001 بدینسو ثبت نموده است. درگیری ها در ساحاتی که در گذشته نسبتاً امن پنداشته میشدند، تشدید یافته و گسترش یافته است. این درگیری ها منجر به تعداد روبه افزایش تلفات و زخمی شدن افراد ملکی توأم با تخریب و از بین رفتن ملکیت ها و زیربناهای ملکی گردیده که اکثراً باعث از دست دادن وسایل امرار معیشت و درآمد آنها گردیده اند. استفاده از تکتیک های غیرمتقارن از



سوی مخالفین مسلح عامل عمده ای افزایش روز افزون تلفات و زخمی شدن افراد ملکی است. استفاده از حملات هوایی و قراردادن مراکز نظامی در ساحات ملکی، خطر کشته و زخمی شدن افراد ملکی را بطور قابل ملاحظه ای بالا میبرد. ملل متحد از همه طرف های درگیر درخواست مینماید تا به مکلفیت های شان مطابق به قوانین بین المللی بشردوستانه و حقوق بشر جهت کاهش تاثیرات جنگ بالای افراد ملکی عمل و آنرا رعایت نمایند.

## I. تاثیر درگیریهای مسلحانه بالای افراد ملکی در سال 2009

از آغاز ثبت سیستماتیک حوادث، از سوی بخش حقوق بشر یوناما از سال 2007 بدینسو، این بدترین سال از لحاظ وقوع تلفات افراد ملکی بوده است. تشدید و گسترش درگیریها در ساحات قبلاً آرام، مانند شمال شرق را متأثر و با حرکت آن از دهات به شهرها عمیق گردیده است. تداوم وضعیت پر آشوب امنیتی ناشی از گسترش حملات مسلحانه، جنگ های مداوم در همه اوقات سال، بشمول ماه های زمستان، عبور گروه های مسلح از مرز و افزایش در تعداد نیروهای طرفدار حکومت همه در تشدید درگیریها کمک نموده اند. طالبان بر علاوه ای انجام عملیات خصمانه، حکومت های پنهانی را در بعضی ساحات تأسیس نموده که علیه حاکمیت حکومت افغانستان بطور مستقیم رویا روی نموده و یا آنرا تضعیف میسازند. درگیری به ویژه در مناطق جنوب تشدید یافته و بعضی ساحات عمده ای شهری را متأثر و تاثیرات خویش بالای افراد ملکی بطور قابل ملاحظه ای افزایش داده است. آرامش معمول از لحاظ انجام عملیات خصمانه در فصل زمستان نیز وسیعاً به ناکامی انجامیده و افراد ملکی را از هرگونه دادن فرصت محروم نموده است. شیوه معمول درگیری که خطر به افراد ملکی را افزایش میدهد کمافی سابق ادامه و گسترش پیدا کرده است.

علاوه بر این، با محدود شدن فضای کمک های بشری بنابر ناامنی روبه افزایش، دسترسی به مردم آسیب پذیر پیوسته پرچالش بوده است. بر علاوه آنکه کسانی که مستقیماً قربانی رویدادهای جنگی گردیدند و منجر به کشته و زخمی شدن آنها گردید، یک تعداد زیاد مردم بنابر پیامد های که درگیری مسلحانه بجا گذاشت بطور غیرمستقیم متأثر گردیدند، اینها گشت و گذار آزادانه بدون ترس یا اذیت و همچنان دسترسی به خدمات ضروری برای صحت، آسایش و تعلیم را شامل می گردند. همچنان درگیری تلفات سنگینی را بالای افراد ملکی از طریق تخریب زیربنا، تضعیف فرصت های امرار معیشت، بی جا ساختن مردم از محلات، و کاهش کیفیت و موجودیت خدمات اساسی بجا گذاشته است. همچو یک حالت اکثرأ افراد آسیب پذیر مانند زنان، اطفال و بیجاشده گان داخلی را بطور غیرمتناسب متأثر ساخته است. درگیری مسلحانه بدون شک تاثیرات منفی قابل ملاحظه ای بالای تلاشهای انکشاف اقتصادی-اجتماعی بجا گذاشته و کمبود انکشافی را افزایش میدهد.

بخش حقوق بشر دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) مجموعاً تعداد 2,412 نفر تلفات ملکی را طی مدت دوازده ماه گذشته که تحت ارزیابی قرار داشت، ثبت نموده اند. این رقم نماینده گی از 14 درصد افزایش در تعداد 2,118 نفر تلفات ملکی ثبت شده در سال 2008 میکند. تلفات ملکی در سال 2009 بلندترین رقم را از زمان سقوط رژیم طالبان در سال 2001 بدینسو نشان میدهد. ارقام ابتدایی ملل متحد نشان میدهد که یک افزایش 29.6 درصد در رویداد های سالانه امنیتی توأم با حداوسط 960.3 رویداد در هرماه با مقایسه به 741.1 رویداد که ماهانه در سال 2008 بوقوع می پیوست وجود داشته است. زمان انتخابات شاهد گسترده ترین خشونت در سال 2009 بود. مخالفین حکومت مانع رأی دادن افغانها گردیده و مسئول تهدیدات و قتل ها علیه نامزدان و کارمندان انتخاباتی بودند. خشونت انتخابات 20 اگست ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی گسترده و قابل ملاحظه بود که، بطور مثال، شامل دو حمله انتحاری در کابل بتاريخ 15 و 18 اگست و یک حمله انتحاری دیگر در کندهار بتاريخ 25 اگست بودند. درکل، ماه سپتمبر با بجاگذاشتن 336 نفر تلفات ملکی مرگبارترین ماه بود.

از جمله 2,412 نفر تلفات ملکی گزارش داده شده در سال 2009، تعداد 1,630 نفر (67 درصد) توسط مخالفین حکومت و تعداد 596 نفر (25 درصد) توسط نیروهای طرفدار حکومت به قتل رسیده اند. تعداد 186 نفر (8 درصد) متباقی به هیچ یک از طرف های درگیر نسبت داده نشد. همانند سالهای قبل، اکثریت تلفات ملکی در مناطق جنوب افغانستان بوقوع پیوست. باوجود آنهم، آماربلند تلفات ملکی در مناطق جنوب شرق، شرق، غرب و مرکزی نیز گزارش داده شده است. درگیری در ساحات که سابق نسبتاً آرام بود، بشمول شمال شرق که در گذشته فعالیت مخالفین در آنجا محدود بود، نیز گسترش یافت.

تکتیک هایی که در جریان سال گذشته باعث تعداد زیاد تلفات ملکی گردید، استفاده از اشیای منفجره تعبیه شده، حملات انتحاری و حملات هوایی (حملات هوایی و حمایت هوایی نزدیک) بود. این حملات اکثرأ منجر به تلفات ملکی و از بین رفتن ملکیت مردم ملکی و زیربنا گردید. در نتیجه استفاده اکثرأ بدون تفکیک حملات انتحاری و اشیای منفجره تعبیه شده، بسیاری از افراد ملکی متحمل تلفات و جراحت گردیدند. باوجودیکه مخالفین حکومت پیوسته نیروهای امنیتی افغان و نیروهای نظامی بین المللی را آماج اصلی حملات انتحاری و اشیای منفجره تعبیه

شده خویش قرار میدادند، اکثراً منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیاد افراد ملکی گردیدند. بسیاری از اشیای منفجره تعبیه شده (اعم از کنترل از راه دور و انفجار از طریق ماشه) در امتداد جاده های جابجا میگردیدند که بیشتر وسایط و افراد پیاده ملکی از آن استفاده مینمودند. علاوه بر این، بخش حقوق بشر یوناما یک تعداد مواردی را ثبت نموده است که اشیای منفجره تعبیه شده در ساحات مزدهم رهاشی و تجارتي مانند مارکیت ها و دوکانه ها جابجا گردیده اند. حملات انتحاری ساختمانهای دولتی مانند وزارتها و ساختمانهای ولایتی نیروهای امنیتی افغان را مورد آماج قرار داده اند که اکثراً در ساحات مزدهم ملکی موقعیت داشته اند.

سال 2009 شاهد افزایش قابل ملاحظه ای در تعداد تلفات ملکی بود که ظاهراً آنها بنابر همکاری یا ارتباط با حکومت، نیروهای امنیتی افغان یا نیروهای نظامی بین المللی مورد آماج قرار گرفته اند. در نتیجه، ساختارهای قبیله ای، بخصوص در مناطق جنوب افغانستان بنابر مورد آماج قرار گرفتن رهبران قبیلوی از سوی مخالفین مسلح شدیداً متأثر و اکثراً تضعیف گردیده اند. سایر فعالین ملکی، مانند کارکنان بشری و ساختمانی نیز قربانی فعالیت های مخالفین حکومت از طریق تهدید، اختطاف و قتل گردیده اند. طالبان اکثراً از سنت پشتونها (پشتونوالی) به ویژه در مناطق جنوب افغانستان جایکه رسم و عنعنات مهمان نوازی میزبان را وادار میسازد تا برای مهمانان سرپناه و غذا فراهم سازد استفاده نمودند. در بعضی موارد، شورشیان بطور قصدی از منازل رهاشی مردم ملکی بعنوان سپر در برابر حملات نظامی که مخالف قانون بشردوستانه بین المللی است<sup>1</sup> استفاده نموده اند. در نتیجه افراد ملکی را زمانیکه از سوی نیروهای طرفدار حکومت بازداشت میشوند در معرض خطر بیشتر قرار میدهند. بخاطر کمک به شورشیان منازل آنها تلاشی و اموال شان از بین برده میشوند.

در ماه جولای، سال 2009، ملا عمر یک "قواعد سلوکی" جدید را تحت نام "قواعد امارت اسلامی افغانستان برای مجاهدین"، برای طالبان افغانستان بشکل یک کتاب در سبزه فصل و شصت و هفت ماده جهت توزیع به نیروهای طالبان صادر نمود. در این قواعد از طالبان خواسته شد تا اعتماد مردم ملکی را بخود جلب و از تلفات ملکی خودداری نمایند. این قواعد شامل محدود ساختن حملات انتحاری به اهداف مهم و رهنمودها در مورد اختطاف ها نیز میباشد. واضح نیست که آیا تدابیری بخاطر تطبیق، یا نظارت از پیروی از این "قواعد سلوکی" وضع گردیده یاخیر.

سال گذشته از لحاظ چگونگی راه اندازی عملیات نظامی از سوی نیروهای طرفدار حکومت شاهد بهبود قابل ملاحظه ای بود. ساختار جدید فرماندهی که اکنون نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) و نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان تحت فرماندهی واحد آیساف قرار گرفته اند از شفافیت و سهولت بیشترتر برخوردار است. ارائه نتیجه ارزیابی ابتدایی بخش های غیرمحرمانه از سوی جنرال مک کریستال فرمانده عمومی نیروی های آیساف به وزیر دفاع و اظهارات بیشمار متعاقب آن از سوی فرماندهی آیساف بیان داشت که استراتژی آینده باید مبتنی بر روش متمرکز به مردم، شامل همکاری نزدیک با حکومت افغانستان و رهبران محل، محافظت از افراد ملکی و کار بخاطر کاهش تلفات ملکی باشد. باوجود آنها، توأم با افزایش نیروهای امنیتی به بیش از 30,000 که قرار است الی وسط سال 2010 تکمیل گردد، بخش حقوق بشر یوناما در مورد افزایش جنگ که میتواند منجر به افزایش تلفات ملکی گردد تاهنوز هم نگران است. باآنها، پیروی از هدایات (دایرکتیف) تکتیکی و رهنمودهای مبارزه علیه حملات شورشی حتی در صورت افزایش جنگ، تلفات ملکی را محدود ساخته میتواند.

در جریان سال، رئیس جمهور کرزی یک موضع گیری قوی را به طرفداری از اتخاذ تدابیر مبنی بر کاهش تلفات ملکی اختیار نمود. وی این موضع گیری را موضوع تعیین کننده در راستای روابط اش با جامعه جهانی و نیروهای نظامی بین المللی قرار داد. رئیس جمهور کرزی در اظهارات و سخنرانی های اش تلفات ملکی و تلاشی منازل از طرف شب را پیوسته محکوم نمود. در ماه فبروری، آقای کرزی اظهار داشت که وی "باید بخاطر پایان دادن به تلفات ملکی و بازداشت افغانها مبارزه نماید... مردم افغانستان از حکومت شان انتظار دارند تا از ایشان محافظت و نماینده گی کند". کمیسیونهای متعددی به دستور رئیس جمهور بمنظور تحقیق در مورد کشته و زخمی شدن افراد ملکی در نتیجه عملیات از سوی نیروهای نظامی بین المللی ایجاد گردیدند. این کمیسیون ها باید مطمئن سازند که یافته های آنان بدسترس عام قرار گرفته و پیشنهادات آنان از سوی حکومت افغانستان بموقع مورد تطبیق قرار گیرند.

باوجوداینکه مجموع تلفات ملکی نسبت داده شده به نیروهای طرفدار حکومت در این اواخر کاهش یافته، اما حملات هوایی تاهنوز هم موجب نگرانی باقی مانده است. شصت و یک درصد تلفات ملکی نسبت داده شده به نیروهای طرفدار حکومت در سال 2009 ناشی از حملات هوایی میباشد.

بخش حقوق بشر یوناما تاهنوز هم در مورد موقعیت پایگاه های نظامی در ساحات مزدهم مانند بازار و مراکز ولسوالی نگران است. موقعیت پایگاه های نظامی در همچو ساحات خطر متضرر شدن افراد ملکی از اثر آماج قرار گرفتن پایگاه های نیروهای نظامی بین المللی توسط اشیای منفجره تعبیه شده، راکت ها و حملات انتحاری از سوی مخالفین حکومت را افزایش میدهد. مطابق به قانون بشردوستانه بین المللی، پایگاه های نظامی باید خارج از ساحات رهاشی و تجارتي بمنظور کاهش تاثیرات درگیری بالای افراد ملکی قرار داشته باشند.

باوجود بهبودی های قابل توجه در طرز العمل های مربوط به تنظیم حملات جستجو و دستگیری، تاهنوز هم تخطی زیادی در برابر همچو روش ها وجود دارد. بسیاری از این حملات استفاده بیش از حد نیرو، وارد آوردن خسارت

به ملکیت، و عدم رعایت حساسیت های فرهنگی را به همراه دارد. بخش حقوق بشر یوناما به ثبت کاهش در "رویدادهای محافظت از نیروها" که باعث کشته و زخمی شدن افراد ملکی بنابر نزدیک شدن آنها به کاروان نظامی یا عدم تعقیب هدایات آنان بوقوع می پیوست ادامه دادند، این کاهش در تعداد کشته و زخمی شدن افراد ملکی در نتیجه تعدیلات سازنده از طریق هدایات و بلندرفتن سطح آگاهی میان مردم ملکی افغانستان صورت گرفته است.

در افغانستان یک تعداد وسیع فعالین مسلح فعالیت مینمایند. باوجود تطبیق پروسه انحلال گروه های مسلح غیرقانونی (دایاگ)، تعداد زیاد گروه های مسلح غیرقانونی تاهنوز هم فعال اند. این گروه های مسلح غیرقانونی مسئول یک تعداد از تخطی های حقوق بشری در جریان درگیری مسلحانه بوده اند. حکومت نیز تلاش نموده است تا نیروهای محلی را که بعضی اوقات بنام ملیشه ها یاد میشوند در محلات ویژه غرض تأمین امنیت استخدام نماید. نیروهای نظامی بین المللی به حمایت از ملیشه های محلی ضد شورشیان، ادامه میدهند. در هر دو حالت، میکانیزم های حسابدگی جهت پاسخ دهی به تخطی ها از سوی گروه های مسلح غیرقانونی و ملیشه های محلی نهایت ضعیف است. هیچگونه ساختار فرماندهی واضح و شفاف وجود نداشته و نه هم کدام مسئولیت آشکار از سوی حکومت غرض تنظیم فعالیت های آنان وجود دارد. در ماه اپریل 2009، یک گروه کاری ملل متحد در مورد استفاده از سربازان اجیر از افغانستان بازدید رسمی نموده و در میان سایر مسایل، "سوال حسابدگی فعالین غیردولتی، حقوق قربانیان برای جبران خسارت موثر و ساختار قانونی برای شرکت های امنیتی خصوصی" را مورد بررسی قرار دادند. این گروه در حال تهیه یک گزارش غرض ارائه به شورای حقوق بشر ملل متحد در ختم سال بودند.

در مناطق متأثر از جنگ دسترسی به خدمات اولیه هنوز هم به شدت محدود است. این مسئله شامل مسدود شدن مکاتب، تهدید شاگردان، بخصوص دختران و کارمندان دولت میگردد. عناصر ضد دولتی کلینیک و بیماران را مورد هدف قرار میدهند و نیروهای طرفدار دولت هم به جستجو و تلاشی در این مکان ها می پردازد که همه این اقدامات موقف افراد ملکی را تحت عنوان اهداف غیر نظامی به مخاطره می اندازد. بر اساس گفته های یونیسف، بین ماه های جنوری و نومبر 2009، به تعداد 613 حادثه مرتبط به مکاتب به ثبت رسیده که در مقایسه با 348 حادثه مشابه ثبت شده در سال 2008 بیشتر می باشد. یونیسف یاد آور میشود که مناطق جنوبی مناطق جنگی اند که بیش از 70 درصد مکاتب در هلمند و بیش از 80 درصد دیگر در ولایت زابل مسدود شده است.

کارکنان مؤسسات غیر دولتی امداد رسان و نمایندگی های ملل متحد در جریان یک سال از سوی عناصر ضد دولتی تهدید، ارباب، آزار و اذیت و حتی تهدید به مرگ را شاهد بودند. در اثر گسترش جنگ حتی در مناطقی که قبلاً امکان فعالیت وجود داشت اکنون محدود تر و دشوار شده است. کاروان ها بشمول کاروان های مواد کمکی متوقف می شوند. عناصر ضد دولتی رانندگان این کاروان ها را لت و کوب میکنند و در بعضی موارد حتی اختطاف هم نموده اند و کالا و بار کاروان ها را به آتش می زنند و یا گاهی غارت می کنند. بعضی از سازمان های بین المللی به دام حمله شورشیان می افتادند، مانند حمله انتحاری 25 اگست در قندهار که به مرگ یک کارمند کمیته بین المللی صلیب سرخ منجر شد.

زنان و کودکان و دیگر افراد آسیب پذیر در اثر مشکلات ناشی از جنگ با بی عدالتی های متعددی روبرو می شوند. خشونت و نا آسانی بر توانایی های این افراد در دسترسی به خدمات اولیه مانند آموزش و صحت تأثیر جدی می گذارد. زنان و کودکان هم قربانی حملات هوایی، تلاشی خانه ها، حمله انتحاری و حملات بمب گذاری، می شوند. این حملات اکثراً به جراحات های جدی بدنی و روحی آنها منجر می شود؛ گسترش این وضعیت مانع دسترسی و یا حتی مانع ایجاد میکانیزم های لازمی امیدوار کننده و سازنده می گردد.

یکی از عواقب بدتر شدن وضعیت امنیتی این است که اکثر زنان در منازل شان محدود می مانند. در یک جامعه به شدت تندرو، حمله بر زنانی که بطور سنتی نقش محدودی در جامعه دارند، مانع مشارکت بیشتر آنها در جامعه می گردد. ادامه درگیری ها بر آزادی تحرک زنان تأثیر بد گذاشته و مانع دسترسی آنها به خدمات اساسی، خدمات نجات و همچنان معارف میگردد. در بعضی موارد، واحد حقوق بشر یاد آور شده که خطر تضعیف وضعیت امنیتی بر زنانی که تصمیم میگیرند تا در امور اجتماعی سهم داشته باشند بخصوص بر زنانی که در موقف و سمت های بالا کار میکنند، تأثیر بسیار بدی می گذارد.

در اثر خشونت های ناشی از جنگ، حد اقل 345 کودک کشته شده است. واحد حقوق بشر یوناما شماری از حوادث بشمول حملات هوایی، حملات راکتی، بمب های کنار جاده ی و انتحاری را که در اثر آن کودکان آسیب دیده اند ثبت نموده است. این سازمان در ادامه یاد آور میشود که خبر های از استخدام کودکان در گروه های مسلح نیز بدست آمده است. در طی سال چند مورد از استفاده کودکان برای انجام حملات انتحاری و یا انفجار بند ها خبر داده شده که بیشتر این گونه حملات به مرگ کودکان و شمار زیادی از غیر نظامیان منجر شده است.

بازداشت و برخورد بد نیروهای آیساف با یک تعداد افرادی صغار که گمان میرود با گروه های مسلح غیر قانونی ارتباط دارند هنوز هم یکی از نگرانی عمده محسوب میشود. گزارش های مفصلی در خصوص بازداشت کودکان برای مدت بیش از یک سال در بازداشت گاه های دولتی و حتی بازداشت شماری از آنها در پایگاه بین المللی بگرام وجود دارد که هیچ کدام بصورت قانونی نبوده؛ در بعضی موارد با شماری از آنها برخورد نادرست هم شده

است. محمد جواد 12 ساله در سال 2002 میلادی به اتهام پرتاب نارنجک به سوی نیرو های نظامی بازداشت شد که در سال 2009 به سن 19 سالگی از زندان گوانتانامو آزاد گردید. بر اساس تیم دفاع کننده حقوقی او، جواد در زمان بازداشت در گوانتانامو و افغانستان مورد برخورد غیر انسانی، خشن و تحقیر کننده قرار گرفته بود. از زمان آزادی تا هنوز مسئولین هیچ امکانات مناسبی را برای ادغام مجدد او به اجتماع انجام نداده اند. چندین نهاد ملل متحد و غیر ملل متحد اثرات درگیری های نظامی بر کودکان را مطابق با قطعنامه 1612 شورای امنیت ملل متحد پیگیری میکنند. سپس قطعنامه 1882 صادر گردید که در آن نام طرف های عامل مرگ و معلولیت کودکان، منجمله کسانی که در زمان جنگ خشونت های بسیار زشت جنسی را علیه کودکان انجام داده اند، وجود داشت. به تاریخ 18 اکتوبر، دولت افغانستان یک فرد رابط بلند رتبه را جهت کمک برای تشخیص این مسئله استخدام نمود. در دسامبر، دولت تعهد نمود تا یک کمیته رهبری بین وزارتی در مورد کودکان و درگیری های نظامی را با هدف ایجاد یک پلان عملی برای حفاظت کودکان آسیب دیده از جنگ ایجاد نماید.

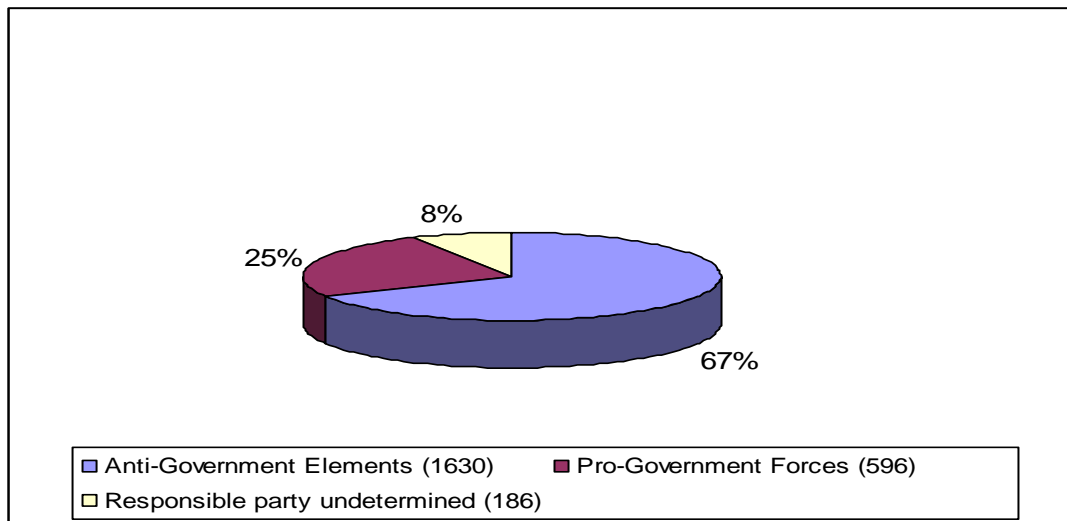
واحد حقوق بشر یوناما هنوز هم بخاطر وضعیت افراد بازداشت شده به علت جنگ، بخصوص کسانی که توسط نیرو های امریکایی و امنیت ملی در بازداشت اند، نگران است. در مورد وضعیت و برخورد با این افراد بخصوص کسانی که در ولایات از سوی امنیت ملی در بازداشت اند، اطلاعات بسیار کم و یا هیچ وجود ندارد. ریاست امنیت ملی تا هنوز هیچ چهارچوب شناخته شده حقوقی ندارد که بصورت واضح از صلاحیت اش برای تحقیق، بازداشت و دستگیری افراد دفاع نموده و به شکل درست بر بازداشت گاه هایش حکم نماید. واحد حقوق بشر یوناما هنوز هم از زبان بازداشت شدگان آزاد شده می شنود که در زمان بازداشت از سوی ریاست امنیت ملی مورد شکنجه و آزار قرار می گرفتند.

اکثر این دوسیه و اتفاقات از سوی واحد حقوق بشر یوناما به ثبت رسیده که تا هنوز بصورت دقیق و صحیح مورد بررسی یا تحقیق قانونی از سوی دولت قرار نگرفته و فقط یک تعداد کم عاملین به دست قانون سپرده شده اند. یک سلسله امور اعمال قانون توسط پولیس در افغانستان به علت امور مرتبط به جنگ تحت تأثیر قرار گرفته و کم رنگ شده است. از آنجایی که پولیس ملی افغان بصورت دوره ای وظایف مبارزه با شورشیان را با ایجاد پسته های تلاشی انجام میدهد، ظرفیت این نیرو ها برای انجام تحقیقات جنایی طبق معمول به تحلیل رفته است. بنابراین، حوادث مرتبط به جنگ اکثراً بصورت دقیق مورد تحقیق قرار نمی گیرد.

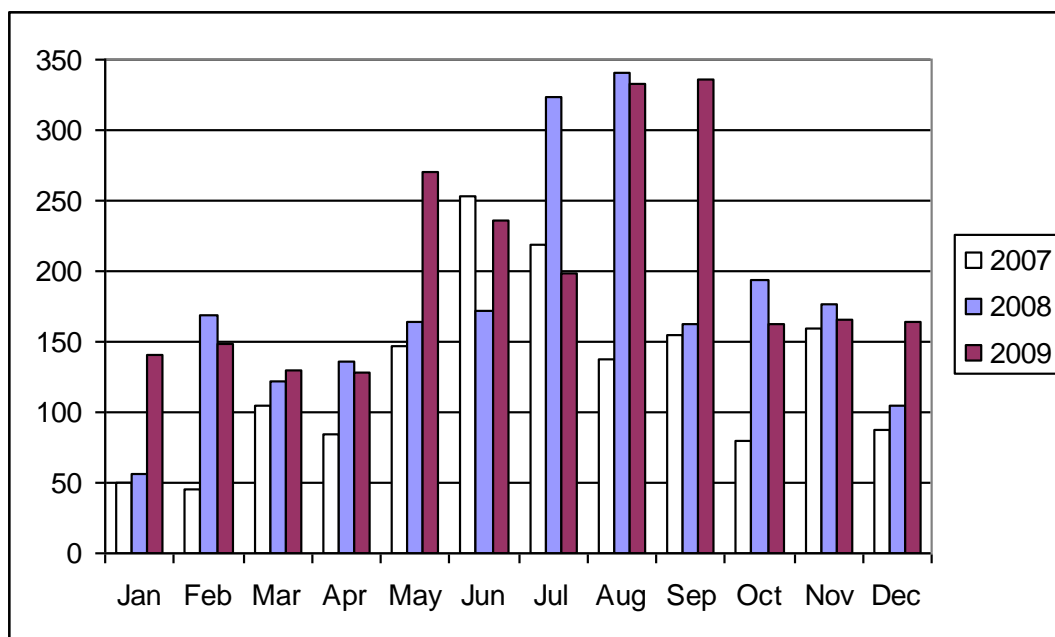
برای بازداشت شدگان پایگاه نظامی بگرام که با ایجاد یک زندان جدید در ولایت پروان یعنی در همان میدان هوایی بگرام در ماه دسمبر جایگزین شد، دستور عمل های تازه ای معرفی گردید که میتواند اساس خوبی را برای یک پروسه عادلانه برای بازداشت شدگان و برخورد سالم و نگهداری از آنها ایجاد نماید. اما مهمتر از همه تمام بازداشت شدگان باید تحت قوانین داخلی افغانستان و قوانین بین المللی حقوق بشر و بشردوستانه ای که از پروسه قانونی ضمانت شده ای مستحق اند، مستفید شوند.

این سال برابر بود با دهمین سال کار شورای امنیت ملل متحد روی مسئله ای حفاظت افراد غیر نظامی در درگیری های نظامی و 60 سالگی کنوانسیون 1949 ژنو. بر اساس گزارش (ماه می 2009) سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد حفاظت غیر نظامیان در زمان جنگ، به علت "کوتاهی طرف های درگیر در رعایت کامل و تضمین تعهدات شان برای حفظ غیر نظامیان" مشکلات زیادی دیده شده. به تاریخ 11 نومبر، شورای امنیت یک بحث آزاد را در مورد حفاظت غیر نظامیان در درگیری های نظامی به راه انداخت که با تصویب قطعنامه 1894 (2009) این مسئله به اوج خود رسید. کمشنر عالی حقوق بشر ملل متحد خانم ناوی پیلی طی صحبت هایش خطاب به بحث آزاد گفت: کاهش خشونت، پایان بخشیدن به مصئونیت و حفاظت حقوق بشری غیر نظامیان مهمتر از هر امر دیگر است. هنوز هم لازم است تا دستور عمل حسابدهی کلی بشمول پیگیری جنائی بعد از تضمین آن به عنوان غرامت به قربانیان باید بصورت جدی اصلاح شود. در حین حال ایجاد یک چهارچوب حقوقی موازی با قوانین حقوق بشر از سوی تمام کسانی که افرادی را در بازداشت دارند برای بازداشت گاه های جنگی ضروری می باشد.

ملل متحد هنوز هم بخاطر اثرات جدی و شدید جنگ بالای غیر نظامیان نگران است. این سازمان بارها از طریق اعلامیه های عمومی نماینده خاص سرمنشی آقای کای آیده تأکید نموده که تمام طرف های درگیر تحت قوانین بین المللی بشری و حقوق بشر باید تعهدات خود را حفظ کنند. اقدامات طرف های درگیر در جنگ باید شفاف و حسابده باشد تا بتوان کمترین اثرات آن را بر افراد غیر نظامی تضمین نمود. همچنان تمام کسانی که با سرپیچی از تعهدات شان تحت حاکمیت قانون و قوانین ملی مرتکب بدرفتاری با غیر نظامیان میشوند باید بصورت درست و در زمان مناسب به این اعمال پاسخگو باشند.



چارت یا جدول 2: مجموع تلفات افراد ملکی در نتیجه درگیری های نظامی در افغانستان، سالهای 2007، 2008 و 2009.



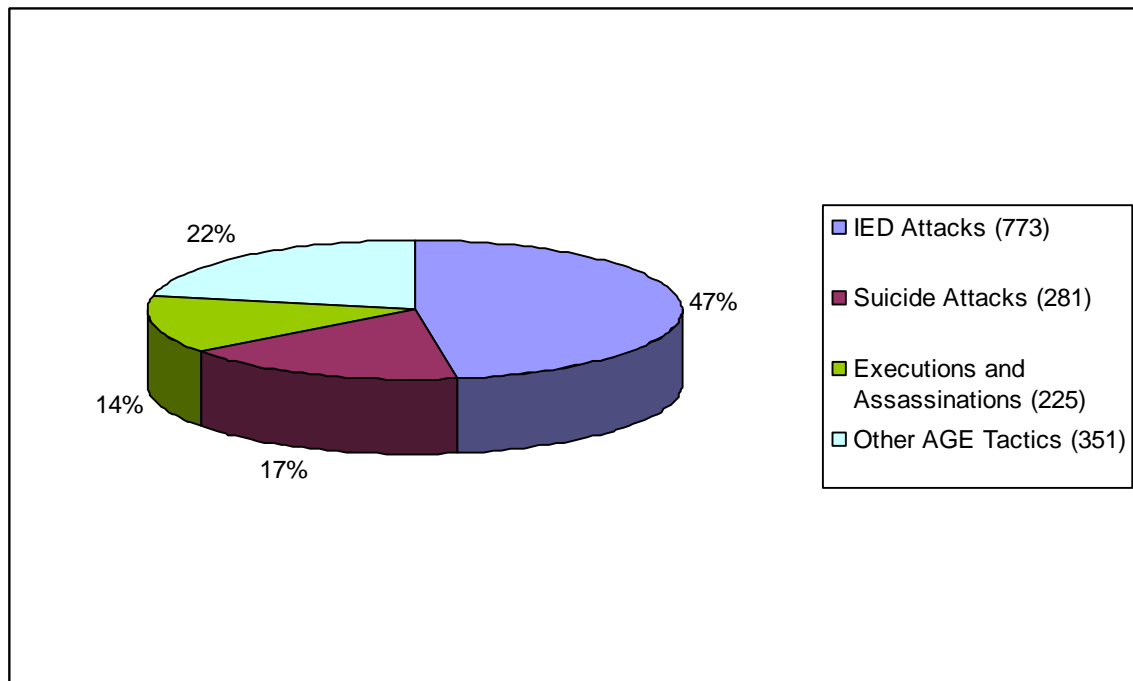
2009	2008	2007	ماه
141	56	50	جنوری
149	168	45	فبروری
129	122	104	مارچ
128	136	85	اپریل
271	164	147	می
236	172	253	جون
198	323	218	جولای
333	341	138	اگست
336	162	155	سپتمبر
162	194	80	اکتوبر
165	176	160	نومبر
164	104	88	دسمبر
2412	2118	1523	جمع کل

## II. عناصر ضد دولت

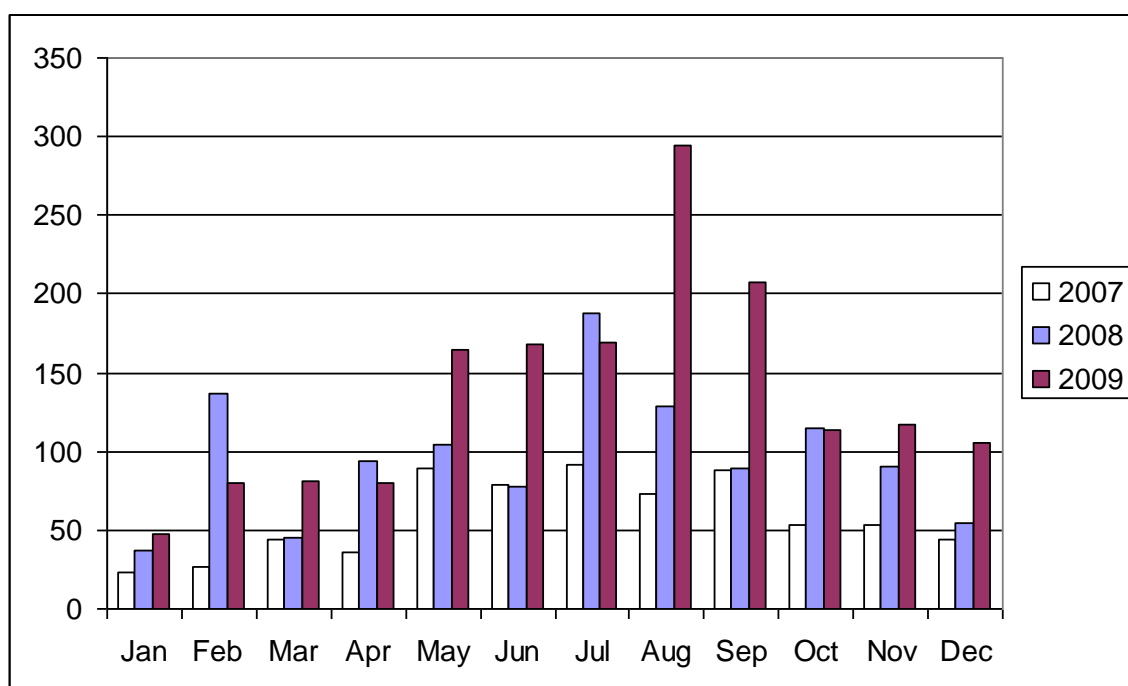
### عناصر ضد دولت و تلفات افراد ملکی

فعالیت های عناصر ضد دولت بیشترین تلفات را بر غیر نظامیان تحمیل نموده. بر اساس گزارش ها مرگ غیر نظامیان توسط عناصر ضد دولت در سال 2009 به 1.630 تن رسیده است. این رقم خود نشانگر 41 درصد افزایش از سال 2008 بوده و 67 درصد کل تلفات غیر نظامیان در سال 2009 را نشان میدهد. حملات انتحاری و بمب گذاری ها هم بیشترین عامل مرگ غیر نظامیان در سال 2009 شمرده میشود که در مجموع کل کشته شدگان به 1.054 تن میرسد. به علت ترور و کشتار هدفمند 225 غیر نظامی کشته شده اند. این مسئله با تاکتیک های جنگی دیگر همه بیش از 78 درصد مرگ غیر نظامیان توسط عناصر ضد دولتی را نشان میدهد. عده دیگری به علت شلیک راکت از بین رفتند و درگیری های زمینی نیز افراد غیر نظامی و عابری را به شدت آسیب رسانیده است.

جدول 3: تلفات افراد ملکی توسط عناصر ضد دولتی با توجه به نوعیت حادثه.



جدول 4: تلفات افراد ملکی توسط عناصر ضد دولت در سالهای 2007، 2008 و 2009



#### حملات انتحاری و بمب های تعبیه شده

بمب های تعبیه شده و حملات انتحاری نسبت به هر گونه حمله دیگر بیشترین تلفات غیر نظامی را در پی داشته که شمار کشتار غیر نظامیان در اثر آن از سال 2008 میلادی به 45 درصد افزایش یافته است. بمب های تعبیه و جا سازی شده از سوی عناصر ضد دولت، جان بیش از 773 غیر نظامی را گرفته (47 درصد کل غیر نظامیان کشته شده توسط عناصر ضد دولتی) و حملات انتحاری هم باعث مرگ 281 غیر نظامی در سال 2009 گردیده است (17 درصد کل غیر نظامیان کشته شده توسط عناصر ضد دولتی).

از زمان تشدید فعالیت های شورشیان در سال 2006، تغییرات تدریجی در استفاده از حملات بی تناسب مانند بمب های تعبیه شده و حملات انتحاری رو نما شده است. اکثراً این گونه حملات به شکلی انجام میشود که نمی تواند میان اهداف نظامی و غیر نظامی تشخیص دهد و مانع تلفات غیر نظامی گردد. بنابراین، اثرات این گونه حملات به مراتب بیشتر از هدف اولیه آن است. ماه های اگست و سپتمبر ثابت نمود که مرگبار ترین ماه های فعالیت شورشیان بوده که طی آن چندین انفجار راه دور و تعبیه شده (توسط موتر های کوچک و بزرگ) صورت گرفت.

- به تاریخ 15 اگست، در اثر یک حمله انتحاری در بیرون از قرار گاه آیساف در کابل، هفت غیر نظامی کشته و 90 تن دیگر مجروح شدند.
- به تاریخ 18 اگست، در اثر یک حمله انتحاری با استفاده از موتر، در نزدیکی کمپ فونیکس در جاده جلال آباد- کابل هفت غیر نظامی کشته و 50 تن دیگر مجروح شد. در این انفجار دو کارمند ملل متحد کشته و یک تن دیگر آن زخمی شد.
- به تاریخ 25 اگست، زمانی که یک موتر بمب گذاری شده در یک منطقه تجارتي - مسکونی در شهر قندهار منفجر شد، 46 تن غیر نظامی کشته و بیش از 60 تن دیگر مجروح شدند. این انفجار چندین ساختمان تجارتي را تخریب نمود و شمار زیادی را هم بی خانمان کرد. چنین معلوم میشود که این موتر مملو از مواد منفجره، قبل از رسیدن به هدف اصلی اش که ریاست امنیت ملی قندهار بود، انفجار نموده بود. هر چند طالبان با انتشار اعلامیه ی مسئولیت این حمله را به عهده نگرفتند، ولی هیچ گروه دیگری وجود ندارد که با چنین مشخصات حمله کند.



در ماه سپتمبر یک تعداد حمله توسط موتر های بمب گذاری شده منجر به کشته شدن 24 غیر نظامی و مجروحیت 52 تن دیگر گردید. به تاریخ 17 سپتمبر، یک حمله علیه کاروان نیرو های آیساف در مسیر میدان هوایی کابل صورت گرفت که به اثر آن 20 فرد ملکی کشته و 45 فرد دیگر مجروح گردیدند. طالبان نیز مسؤلیت این حمله را به عهده گرفتند. به تاریخ 8 و 9 سپتمبر حملات مرتبط در مقابل دروازه میدان هوای نظامی آیساف در میدان بین المللی هوای کابل و حمله دیگر در برابر کمپ بوستن در ولایت هلمند صورت گرفت که هر دو باعث مرگ 4 غیر نظامی و مجروحیت 7 تن دیگر شدند.

هر چند بیشتر حملات انتحاری و تعبیه شده علیه نیروهای امنیتی افغانستان و نیرو های بین المللی صورت میگیرد، اما استفاده این گونه حملات در مناطق مسکونی بدین معنی است که غیر نظامیان بیشتر مورد هدف قرار میگیرند. علاوه براین، عناصر ضد دولتی بیشتر در لباس غیر نظامی حملات انتحاری و دیگر حملات را انجام میدهند که این خود تشخیص میان افراد ملکی و جنگجو را دشوار می سازد<sup>3</sup>.

#### **انفجار دوگانه منجر به تلفات افراد ملکی در خوست گردید**

به تاریخ 22 جون، در نتیجه دو انفجار در شهر خوست 10 تن کشته و 41 تن دیگر مجروح شدند. بر اساس گزارش ها در میان کشته شدگان دو کودک 9 و 17 ساله وجود داشت و 11 کودک دیگر هم مجروح شده بودند. این رویداد حوالی ساعت 1 در محله ای میان یک اداره دولتی و یک مسجد در نزدیکی بازار محلی صورت گرفت. انفجار اول در نزدیک اداره دولتی بود که توسط یک نارنجک دستی، گروهی از مردم را هدف قرار داده بود و به دنبال آن انفجار دوم رخ داد. مقامات باور دارند که این حمله از سوی افراد شبکه حقانی صورت گرفته بود.

عناصر ضد دولتی یک سلسله "حملات مرکب" شامل چندین تیم هماهنگ شده را نیز انجام داده که در آن افراد انتحاری خوب مجهز شده و عده دیگر با سلاح های مختلف و نارنجک مجهز گردیده اند. این گروه ها سریعاً مراکز دولتی را که بیشتر افراد غیر نظامی در آن می باشد مورد حمله قرار میدهند. به تاریخ 21 جولای سه حمله مرکب در جلال آباد و گردیز و یک حمله دیگر به تاریخ 25 جولای در خوست علیه دولت و نیرو های نظامی مستقر در این ولایات صورت گرفت که نشان دهنده عملیات خوب پلان شده و مجهز می باشد. به تاریخ 28 اکتوبر، یک حمله مرکب دیگر علیه یک مهمانخانه در کابل صورت گرفت که در نتیجه هشت غیر نظامی بشمول پنج کارمند ملل متحد کشته و 9 تن دیگر مجروح شدند. این حمله که بسیار خوب برنامه ریزی و اجرا شد به وسیله یک عده انتحاریون، نارنجک و سلاح خفیه صورت گرفت. هر چند طالبان مسؤلیت این حمله را به عهده گرفتند، اما به نظر میرسد که توسط اعضای شبکه حقانی صورت گرفته است.

#### **حمله مرکب علیه چندین ساختمان دولتی در کابل**

به تاریخ 11 فیبروری حمله هماهنگ شده علیه ریاست زندان های وزارت عدلیه، وزارت معارف و ریاست امنیت ملی در کابل منجر به مرگ 21 تن بشمول 13 کارمند وزارت عدلیه گردید. حد اقل 14 کارمند وزارت عدلیه مجروح شدند. در این رویداد واحد حقوق بشر یوناما گزارش هایی را دریافت نمود که نشان میداد یک تعداد افراد غیر نظامی با اینکه مشخص بود غیر نظامی اند، مشخصاً به عنوان هدف انتخاب شده بودند. طالبان طی یک اعلامیه ادعا نمودند که این حمله در تلافی برای بدرفتاری با زندانیان و قتل چند طالب دیگر در نومبر 2008 و کشتار یک تعداد طالب دیگر در جریان عملیات زندان پلچرخ در دسمبر 2008 صورت گرفت است.

حمله علیه مسئولین و مراکز ریاست امنیت ملی از سوی عناصر ضد دولتی اکثراً بدون تشخیص هدف اساسی صورت گرفته که در نتیجه آن شمار زیادی از افراد غیر نظامی کشته و مجروح شدند.

### معاون ریاست امنیت ملی مورد هدف یک موتر بمبگذاری شده قرار گرفت

به تاریخ 2 سپتمبر، معاون ریاست امنیت ملی و عده ای از همکارانش که در یک نشست، در مسجد مرکزی شهر مهنترلام حضور داشتند، مورد هدف یک موتر بمب گذاری شده قرار گرفتند که در نتیجه معاون ریاست و چهار کارمند دیگر این ریاست کشته شدند. مسجد در نزدیکی یک بازار قرار داشت. در نتیجه این حمله 18 غیر نظامی کشته و 61 تن بشمول زنان و کودکان زخمی شدند، طالبان مسؤلیت این حمله را به عهده گرفتند. در ارتباط به این حمله 4 تن دستگیر شدند. به تاریخ 31 دسمبر حدود 1000 تا 1200 نفر در این شهر دست به تظاهرات زدند و خواهان دستگیری و قتل عاملین این حمله شدند.

بمب های تعبیه شده نسبت به هر روش دیگر توسط عناصر ضد دولتی بیشتر استفاده شده است. استفاده از این روش معمولاً به شکل منظم و بدون تبعیض بوده که باعث میزان بالای تلفات بخصوص در جنوب و شرق می گردد. در ولایت خوست گرایش عناصر ضد دولتی به نصب بمب های مغناطیسی در بدنه موتر دیده شده بود که در نتیجه این گونه حملات در ماه جون سه غیر نظامی کشته و شمار زیادی هم مجروح شدند. معاون نماینده خاص سرمنشی عمومی آقای کای آیده طی یک اعلامیه استفاده از بمب تعبیه شده با در نظر داشت عدم تبعیض در ولسوالی میوند ولایت قندهار را در ماه سپتمبر محکوم نمود و خواهان بازداشت عاملین این قضیه شد. موتر های غیر نظامی در این ولایت برای رسیدن به جاده عمومی از یک مسیر دیگر استفاده می کنند، زیرا انفجار یک موتر بمب گذاری شده آن را غیر قابل استفاده ساخته و در اثر این انفجار 37 غیر نظامی بشمول زنان و کودکان کشته و 18 تن دیگر مجروح شدند. این حوادث شامل یک حمله دیگر به تاریخ 29 سپتمبر میگرد که موتر آنها توسط یک بمب کنار جاده ای منفجر شد و حد اقل 30 غیر نظامی کشته و 19 تن دیگر مجروح شدند. عناصر ضد دولتی در مناطق مسکونی نیز بمب های جاسازی شده و حملات انتحاری را انجام میدهند. طوریکه گفته شد در گزارش تازه ای توسط یک مجموعه ای از مؤسسات غیر دولتی<sup>4</sup> استفاده بدون تشخیص از بمب های تعبیه شده بخصوص در مناطق مسکونی باعث تلفات غیر نظامی و حتی اثرات مخرب روحی و بدنی شده است. همین مطالعه دریافته که " میان ترس و نگرانی و نا امنی و بخصوص درگیری های فعلی یک ارتباط واضح وجود دارد". این اثرات میتواند بیشتر ادامه یابد و در نتیجه چنان شرایط ترس را ایجاد کند که مانع انتقال خدمات اولیه از سوی مردم شود.

### قتل ها، تهدیدات و ارباب

واحد حقوق بشر یوناما 225 مورد ترور و قتل توسط عناصر ضد دولتی را ثبت نموده است. گروه های مسلح مخالف هنوز هم علاقمندی شان را به تهدید منظم غیر نظامیان از طریق، ایجاد رعب و وحشت، اختطاف و قتل نشان داده اند که در بعضی موارد قربانیان را سر بریده و یا اعدام نموده اند. این افراد اکثراً به اتهام جاسوسی برای دولت یا نیرو های بین المللی و یا بخاطر کار برای نیرو های نظامی بین المللی به حیث مترجم، راننده و یا محافظ نظامی در پایگاه های نظامی و یا بخاطر حمایت فعال از دولت و یا همکاری با نیروهای امنیت ملی توسط عناصر ضد دولتی کشته و یا ترور می شدند. اکثر ترور ها در جنوب، جنوب شرق و مناطق مرکزی افغانستان صورت میگیرد.

### جدول مربوط به اسمعیل خان باید اینجا قرار بگیرد

روش های مختلفی وجود دارد که توسط آن عناصر ضد دولتی اهداف خود را مشخص می سازند. ایجاد پوسته های کنار جاده و یا بستن راه توسط عناصر ضد دولتی کار غیر معمول نیست، زیرا مردم را بخاطر جستجوی کارت هویت و سند شان که نشان دهنده همکاری شان با دولت باشد، تلاشی می کنند. در نتیجه این گونه رفتار غیر نظامیان مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند و در بعضی موارد کشته می شدند. این گونه تلاشی ها در جنوب، جنوب شرق، غرب، مناطق مرکزی و شرق کشور صورت می گیرد. برای هشدار تمام افراد جامعه بخاطر مشارکت در فعالیت های خاص و تهدید افراد خاص توسط طالبان از "شب نامه" استفاده می کنند. اکثر این گونه نامه ها به کسانی فرستاده می شد که همکاری با دولت و یا نیرو های بین المللی را متوقف ننموده که در نتیجه به "مجازات" این افراد منجر میشوند. این گونه تهدید ها فضای ترس و ارباب را میان مردم ایجاد میکند. بر اساس دوسیه های ثبت شده توسط واحد حقوق بشر یوناما، افرادی که اختطاف می شدند بعد از کشته شدن نامه ای در کنار جسد شان گذاشته میشد که به مثابه یک هشدار به دیگران بود. این گونه روش ها به یک مبارزه منظم برای تهدید و تخریب حمایت از دولت و نیرو های بین المللی در افغانستان اشاره می کند. این گونه تهدید ها میتواند افراد

و کل جامعه را به جلوگیری یا محدود ساختن فعالیت های معمولی شان و ادار سازد که در نتیجه باعث مشکلات زیاد و از بین رفتن درآمد نقدی این افراد میشود.

### **پخش برگه های تبلیغاتی از سوی عناصر ضد دولتی در فراه**

به تاریخ 17 جون، یک تعداد برگه ها در اطراف مسجد شهر فراه پخش شده بود که در آن مردم را بخاطر کار با دولت و جامعه بین المللی تهدید نموده بودند. این گونه برگه ها در ولسوالی های پشت رود و خاک سفید نیز بدست آمده بود.

بعضی موارد که به صورت "حمایت" از دولت یا شرکای بین المللی آن تصور میشود و میتواند به مثابه استقبال عامه از نیرو های بین المللی تلقی شود، در فبروری این گونه احترام و پذیرایی به قتل دو کودک و لت و کوب شدید یک تن دیگر در ولسوالی سید آباد وردک منجر شد. این گونه تهدید ها مرد و زن و گاهی کودکان را هدف قرار میدهد. در مراحل بعدی توجه عناصر ضد دولتی به تهدید و هشدار کارکنان ملکی دولت، کارکنان ساختمانی، محصلین و معلمین، رهبران مذهبی و رهبران قومی و اجتماعی و داکتران و همچنان پولیس و نظامیان معطوف گردید.

مجازات افراد بخاطر این گونه همکاری ها میتواند خفیف و یا شدید باشد. واحد حقوق بشر یوناما یک تعداد قضایا را به ثبت رسانیده که در آن افراد غیر نظامی بخاطر حمایت آشکار شان و یا همکاری با دولت و متحدین آن و یا به اتهام "جاسوسی" اختطاف و بعد کشته شدند. بزرگسالان و کودکان در جنوب، جنوب شرق، شرق و مناطق مرکزی کشور بیشتر مورد هدف این گونه روش ها قرار می گیرند. به گونه مثال به تاریخ 12 جولای یک فرد به اتهام جاسوسی برای دولت و نیرو های بین المللی در برابر دیدگان مردم در ولسوالی چک ولایت وردک به قتل رسید. به تاریخ 9 نومبر، یک کارگر روزمزد در ولسوالی ناری ولایت کنر که با نیرو های بین المللی کار میکرد از سوی عناصر ضد دولتی اختطاف و بعد کشته شد، گفته می شود که این فرد اطلاعاتی را در اختیار نیرو های بین المللی قرار داده بود که مطابق آن نیروی های بین المللی طی یک عملیات یک تعداد شورشی را کشته بودند. به تاریخ 15 نومبر، پنج مرد توسط یک گروه مربوط به فرمانده محلی طالبان در ولسوالی خاک سفید ولایت فراه اختطاف شدند. از جمله دو تن بخاطر همکاری با دولت سر بریده و سه تن دیگر آزاد شدند.

واحد حقوق بشر یوناما یاد آور شده که رهبران کلیدی و مهم قبیله ی بخصوص در جنوب، جنوب شرق و مناطق مرکزی مورد هدف طالبان قرار می گرفتند. دلیل این کار میتواند دو بعدی باشد؛ بخاطر تضعیف حمایت از دولت و از بین بردن ساختار اقوامی که از مخالفین مسلح حمایت نمی کنند. در ماه نومبر شش رهبر برجسته قومی در جنوب از سوی طالبان به قتل رسیدند. اکثر بزرگان نامبرده یا از دولت حمایت می کردند و یا در شورای ولسوالی عضو بودند.

### **جدول قتل ستاره اجکزی باید اینجا قرار بگیرد**

به تاریخ 1 نومبر، عناصر ضد دولتی یک رهبر برجسته اجتماعی را در ولسوالی دهر اوود ولایت ارزگان به قتل رسانیدند، هم چنان یک بزرگ قبیله که ریاست شورای ولسوالی را در ولسوالی ناوه ولایت هلمند به عهده داشت

### **روستائیان لنگر به اتهام همکاری از سوی طالبان تهدید و به قتل رسیدند**

به تاریخ 28 اپریل، به دنبال یک عملیات نظامی نیرو های بین المللی در منطقه لنگر ولسوالی چنارتوی ولایت ارزگان (یک منطقه مشخص نشده در ولسوالی چوره) طالبان ساکنین این محل را به همکاری با نیرو های بین المللی متهم نمودند. طالبان ظاهراً بخاطر تلفات قابل ملاحظه ای افراد شان در این عملیات بسیار ناراحت بودند. در نتیجه یک سلسله تهدید های شفاهی را صادر نمودند و در مرحله بعد لیست 42 تن از روستائیان را به اتهام همکاری با نیرو های بین المللی ترتیب دادند، تا کشته شوند. به روستائیان همچنان هشدار دادند که بدون اجازه طالبان حق استفاده از تلفن های موبایل را ندارند. به این اتهام چند روستایی دیگر را با خود به کوه بردند و کشتند. به تاریخ 11 می، طالبان چهار تن دیگر را از این منطقه اختطاف کردند و به اتهام جاسوسی دو تن شان را سر بریدند و دو تن دیگر را به شدت لت و کوب نموده و آزاد کردند. به تاریخ 20 می، یک شخص که از ترینکوت به چنارتو سفر میکرد توسط طالبان متوقف و کشته شد، زیرا یک تلفن همراه با خود داشت. در نتیجه این گونه خشونت و تهدید، 60 خانواده به ترینکوت که بیشترین بیجا شدگان در آنجاست، فرار نمودند.

را به قتل رساند. به تاریخ 6 نومبر رئیس زندان زنانه سرپوزه در شهر قندهار کشته شد. به تاریخ 10 نومبر معاون و یک عضو شورای ولسوالی ولسوالی ناوه کشته شدند؛ به تاریخ 30 نومبر یک رهبر قومی و یک عضو شورای ولسوالی شینکی ولایت زابل کشته شدند. در اکثر این قضایا، طالبان مسئولیت را به عهده گرفتند، زیرا قبلاً به این افراد اخطار داده بودند.

یک سلسله سوء قصد و کشتار قصدی علیه کارکنان بلند رتبه دولتی نیز صورت گرفت؛ این امر بر توانایی آنها در انجام وظایف شان به طور مؤثر و در نتیجه بر منافع جمعیت محل تأثیر منفی گذاشت. در ماه مارچ هم یک سلسله قتل و کشتار در جنوب کشور صورت گرفت. در این گونه اقدامات یک تعداد اعضای ولسی جرگه در هلمند و یک تعداد ملاهای ولایت ارزگان مورد هدف قرار گرفتند. بعد ها معلوم شد که این گونه حملات با هدف نابودی مستقیم روحانیون طرفدار دولت انجام شده بود. به گونه مثال در ماه نومبر سه سوء قصد از طریق بمب گذاری رخ داد. این سه حمله شامل یک حمله بر کاروان والی قندهار، یک عضو پارلمان ولسوالی پغمان و یک حمله انتحاری در نزدیکی دفتر والی فراه بود که در آن 15 غیر نظامی کشته و 40 تن دیگر زخمی شدند. به تاریخ 15 دسمبر یک موتر انتحاری در نزدیکی منزل معاون پیشین رئیس جمهور آقای احمد ضیاء مسعود رخ داد. آقای ضیاء مسعود از این حمله جان سالم بدر برد اما 8 غیر نظامی دیگر کشته و 40 تن زخمی شدند. با وجود تذکرهای مکرر مسئولین نسبت به این تهدید و عدم اقدامات لازم جهت امنیت مناسب برای شخصیت های عالی رتبه، اکثر عاملین این حمله ناشناخته ماندند و تا هنوز هیچگونه تحقیق بخاطر به محکمه کشاندن عاملین صورت نگرفته است.

#### **سوء قصد به جان اسماعیل خان، وزیر انرژی و آب در هرات**

به تاریخ 27 سپتمبر کاروان اسماعیل خان وزیر انرژی و آب در مسیر جاده میدان هوایی بسوی ولسوالی انجیل ولایت هرات، مورد هدف موتر بمب گذار انتحاری قرار گرفت. آقای اسماعیل خان از این سوء قصد جان سالم بدر برد، اما 4 غیر نظامی دیگر کشته و 15 تن دیگر بشمول دو زن و دو کودک مجروح شدند. طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفتند.

#### **تهدید رئیس اداره امور زنان ولایت خوست**

بین ماه های اپریل و سپتمبر رئیس اداره امور زنان خوست و یک عضو دیگر این اداره از سوی عناصر ضد دولتی به مرگ تهدید شدند. در نتیجه این تهدیدات دو زن از مشارکت در وظیفه شان دست کشیدند که این امر ظرفیت ریاست امور زنان را برای انجام مؤثر فعالیت کاهش داد. مسئولین محلی نتوانستند حمایت کافی و مناسب را برای حفاظت جان این کارکنان تأمین کنند. به تاریخ 19 می، موتر رئیس این اداره در برابر منزل اش منفجر گردید. این رویداد و تلفن های متعدد به پولیس ملی، ریاست امنیت، والی و وزارت امور زنان در کابل گزارش شد. چون حفاظت از این خانم بهتر نشد، بعد از چند ماه همکاری، دست از وظیفه کشید. بعد از انفجار موتر این خانم بارها از طریق تلفن تهدید می شد و حتی یک بار پسر جوانتر او را به اختطاف تهدید کردند. در سپتمبر، وقتی این خانم هنوز هم تهدیدات تلفنی دریافت میکرد، از وظیفه اش دست کشید.

#### **قتل ستاره اچکزی عضو شورای ولایتی کندهار**

به تاریخ 12 اپریل ستاره اچکزی یک عضو شورای ولایتی و یک فعال حقوق زنان توسط دو موترسایکل سوار در شهر قندهار به قتل رسید. یک سخنگوی طالبان بنام قاری محمد یوسف احمدی ادعا نمود که طالبان این خانم را بخاطر موقف اش به عنوان عضو شورای ولایتی کشتند و دیگر اعضای این شورا را صرفنظر از جنسیت آن در آینده نیز خواهند کشت.

گزارش از درگیری ها اکثراً خطرناک و پیچیده است، زیرا صحبت با هر یک از طرفین میتواند باعث شک و در نتیجه تهدید فرد شود. خبرنگاران افغان بارها به وسیله تهدید، اختطاف و کشتار تهدید شده اند که در نتیجه آزادی

بیان در بخش های زیاد کشور محدود گردید است. در ماه مارچ حد اقل دو خبرنگار کشته شدند. در ماه می، عناصر ضد دولتی 7 غیر نظامی بشمول پنج خبرنگار شبکه الجزیره در ولایت کنر را اختطاف کردند که بعد ها چهار تن آنها به جز یک غیر نظامی آزاد شدند. اما در مدت کمتر از یک ماه بعد از این حادثه یک تن از آزاد شدگان به مدت چند روز در بازداشت ریاست امنیت ملی بود. خبرنگارانی که با طالبان صحبت نموده بودند سریعاً توسط ریاست امنیت ملی بازداشت شدند. به تاریخ 17 جون، دو خبرنگار شبکه الجزیره بعد از سه روز بازداشت از سوی ریاست امنیت ملی آزاد شدند. بر اساس ادعای این دو تن ریاست امنیت ملی بخاطر تهیه یک گزارش در مورد طالبان در شمال کشور هر دو را متهم به همکاری و جانبداری با طالبان نموده بودند. بخاطر کاهش خطرات، خبرنگاران اکثراً از بیداری و هوشیاری کار میگیرند. یک تعداد خبرنگار بین المللی نیز همراه با همکاران افغانی شان اختطاف شدند که بیشتر شان سریعاً آزاد شدند.

کارکنان ملل متحد و موسسات غیر دولتی نیز گاهی هدف تهدید برگزیده میشوند و در بعضی موارد حتا به قتل رسیدند. اکثر کارمندانی که در مسیر خانه و کار رفت و آمد می کنند، ماهیت اصلی کارشان را پنهان می کنند؛ بیشتر این افراد کارت هویتی که نشان دهنده محل کارشان باشد با خود حمل نمی کنند و حتی بعضی شان به اقارب و یا محلات شان ماهیت اصلی کار خود را بخصوص از ترس آشکار نمی کنند.

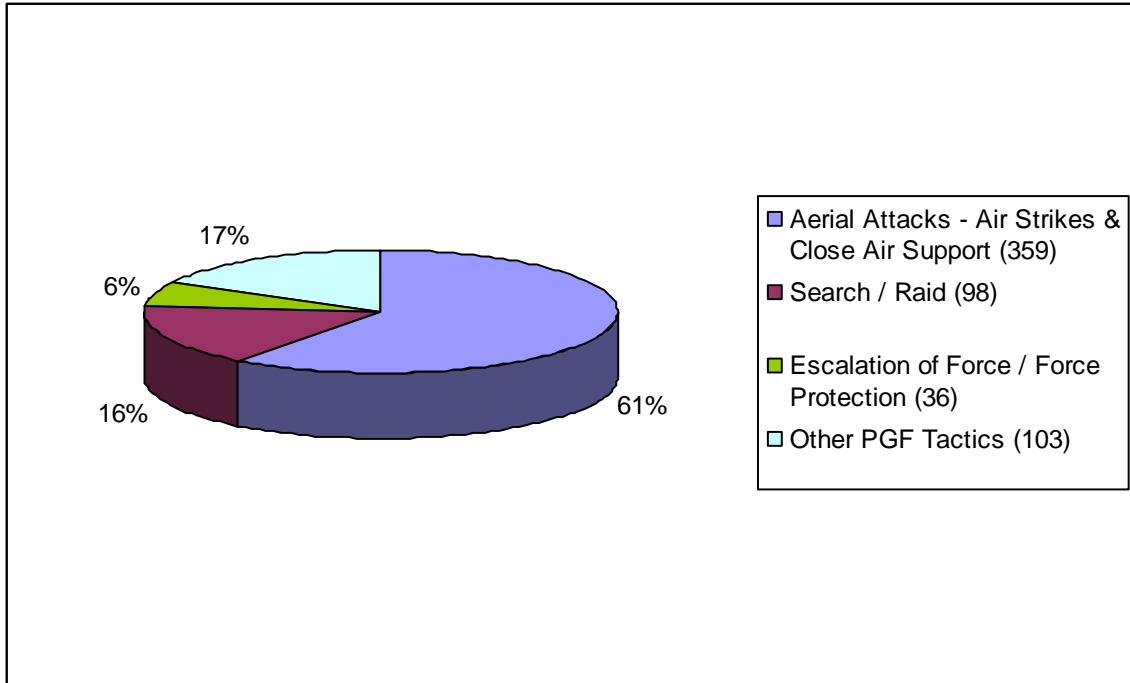
### III. نیرو های طرفدار دولت

#### نیرو های طرفدار دولت و تلفات افراد ملکی

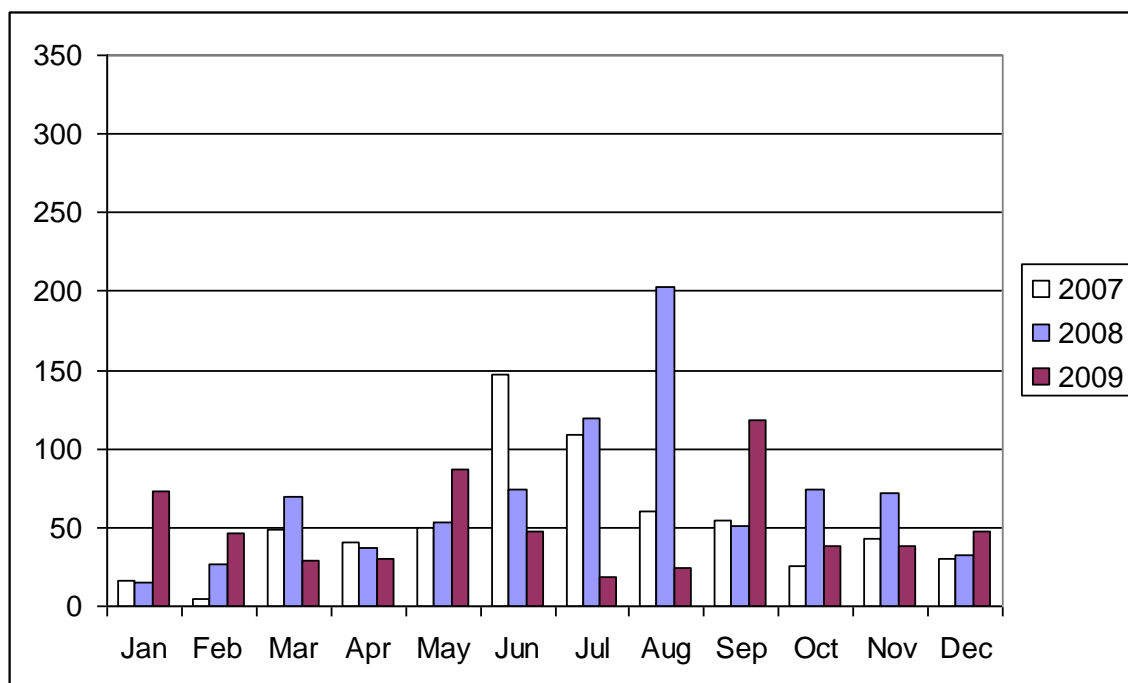
نیرو های طرفدار دولت (نیرو های امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی) نیز عامل مرگ 596 غیر نظامی ثبت شده می باشند. این رقم نشان دهنده 25 درصد کل تلفات غیر نظامی ثبت شده در سال 2009 می باشد. این رقم در مقایسه با 828 حادثه در سال 2008 نشان دهنده 28 درصد کاهش می باشد. این کاهش نشان دهنده اتخاذ اقدامات بیشتر از سوی نیرو های نظامی بین المللی جهت بهبود رفتار و برخورد در انجام عملیات های نظامی شان می باشد که میتواند اثرات جنگ بر غیرنظامیان را کاهش بخشد.

در ارتباط به عملیات نیرو های طرفدار دولت باید گفت، حملات هوایی با کشتن 359 غیر نظامی بیشترین تلفات غیرنظامی یعنی (61 درصد) را به همراه داشته. عملیات های جستجو و دستگیری با 98 کشته (16 درصد) در مرتبه دوم بیشترین تلفات غیر نظامی را به همراه داشته. هر دو روش نامبرده 77 درصد کل غیر نظامی کشته شده توسط نیرو های طرفدار دولت را تشکیل میدهد.

جدول 5: تلفات غیرنظامیان، توسط نیرو های طرفدار دولت که بر اساس نوع رویداد تهیه شده.



جدول 6: تلفات غیرنظامیان توسط نیرو های طرفدار دولت طی سالهای 2007، 2008 و 2009.



تصامیم ستراتیژی در سطح بالا در مورد رفتار نیرو های نظامی بین المللی باعث بهبود شرایط و محیط برای غیر نظامیان آسیب دیده از جنگ شده است. به تاریخ 2 جولای رهنمود تاکتیکی از سوی فرماندهی نیرو های آیساف صادر شد که برای تمام نیرو های آیساف و فرماندهی نیرو های امریکایی قابل اجرا بود و با هدف کاهش میزان تلفات غیر نظامیان طراحی شده بود. این رهنمود استفاده از نیرو مانند حملات هوایی را در مناطق مسکونی محدود ساخت. همچنان رهنمود برای عملیات های داخل مناطق مسکونی، منجمله تلاشی خانه ها و مراکز دینی را مجدداً بررسی نموده که حالا همیشه توسط نیرو های آیساف اجرا میشود.

به رغم بهبود شرایط، واحد حقوق بشر یوناما هنوز هم اطلاعاتی در مورد تلفات غیر نظامی و بازداشت افغانها به تعقیب تلاشی های شبانه دریافت می نماید که غالباً در موقعیت اعلام نشده ای باقی می ماند.

### حملات هوایی

حملات هوایی و حمایت های نزدیک هوایی عامل بیشترین فیصدی تلفات افراد ملکی نسبت داده شده به نیرو های طرفدار دولت می باشد. واحد حقوق بشر یوناما 65 حادثه حملات هوایی را در سال 2009 به ثبت رسانیده که باعث مرگ غیر نظامیان شده است. در مجموع همه این ها به مرگ 359 غیر نظامی یا 15 درصد کل کشته شدگان در سال 2009 منجر شده است. این رقم در مقایسه با ارقام ثبت شده در سال 2008؛ یعنی زمانی که 552 غیر نظامی کشته شد بسیار کم می باشد. به نظر میرسد که این کاهش در نتیجه صدور رهنمود تاکتیکی 2 جولای است که حملات هوایی را فقط در شرایط خاص اجازه میدهد.

ماه های می و سپتمبر مرگبار ترین ماه های حملات هوایی برای غیر نظامیان بوده، در ارتباط به حمله هوای چنین میتوان گفت که نظر به یک حادثه که در 4 می در ولسوالی بالا بلوک اتفاق افتاد منجر به کشته شدن 64 فرد ملکی گردید. به تاریخ 4 سپتمبر یک حمله هوایی دیگر در نزدیکی قریه عمر خیل ولسوالی علی آباد ولایت کندز جان 74 غیر نظامی را گرفت. این ارقام شامل یک خبرنگار افغان میشود که در صحنه حادثه گیر مانده بود و در نتیجه یک عملیات نجات برای آزادی یک خبرنگار خارجی این جوان افغان کشته و خبرنگار خارجی آزاد شد.

طوریکه در راپور وسط سال، مورخ جولای 2009 ذکر گردید با وصف که رقم تلفات واقعات حملات هوایی در مقایسه با رقم کلی واقعات هوایی نسبتاً در سطح پایین قرار دارد، این حملات هنوز هم موجب ضایعه تعداد قابل توجه افراد ملکی می باشد. افراد ملکی را خطر حملات هوایی در حملات شبانه زمانیکه در مجاورت کمینگاهی علیه نیرو های طرفدار حکومت و کاروان ها قرار داشته باشند یا سهواً به عنوان عناصر ضد حکومت تشخیص میگردد، تهدید می کند.

#### **تلفات افراد ملکی در نتیجه یک حمله هوایی در ولسوالی میزان، ولایت زابل**

به تاریخ 28 جولای، آیساف در یک حمله هوایی بالای طالبان در قریه تاخان ولسوالی میزان ولایت زابل شش افراد ملکی به شمول دو طفل را کشتند و شش تن دیگر را مجروح نمودند. یک هیلکوپتر مربوط قوت های آیساف بالای طالبانی سوار بر یک موتر سایکل در یک باغ که افراد ملکی در آن مصروف کار بودند، حمله کردند که در پی آن شش فرد ملکی کشته و شش تن دیگر زخم برداشتند. آیساف این واقعه را تصدیق نموده است.

در موقع حملات هوایی عناصر ضد حکومتی اکثراً در منازل افراد ملکی پناه میبرند و بعضی اوقات افراد ملکی را عمداً در برابر خود سپر قرار میدهند. حقوق بشر یوناما که چندین قضیه را تحت بررسی داد، اطلاعاتی در دست دارد، که عناصر ضد حکومتی در عملیات های هوایی مهم عمداً در منازل مردم ملکی پناه برده بودند که با شورشیان اصلاً هیچ پیوند نداشتند. ساکنین قریه جات که در ساحات عناصر ضد حکومت زیست دارند نمیتوانند یک قوماندان ضد حکومتی را بخاطر رسوم عنعنوی مهمان نوازی با اعمال قوه از پناه بردن به منازل شان منع نمایند. اطلاعات نشان میدهد که عناصر ضد حکومتی از این عوامل سوء استفاده نموده و از منازل افراد ملکی بخاطر دفع و طرد حملات نیرو های طرفدار حکومت استفاده میکنند. در حالیکه استفاده انسان به عنوان سپر نقض قوانین حقوق بشر بین المللی بشمار میرود، آیساف نیز مکلف است تا تمام تدابیر لازم را جهت کاهش تلفات به افراد ملکی روی دست گیرد. نقض قوانین بین المللی توسط عناصر ضد حکومتی این اجازه را به آیساف نمیدهد تا قوانین بشری بین المللی را خود نادیده گیرد.

#### **حمله هوایی بالای تانکر های تیل دزیده شده در ولسوالی علی آباد ولایت کندز**

به تاریخ 3 دسمبر، یک گروپ از طالبان دو تانکر تیل را در امتداد سرک کندز بغلان ربودند. آنها سعی ورزیدند تا از دریای کندز به طرف ولسوالی چهاردره، نزدیک قریه عمرخیل در ولسوالی علی آباد عبور نمایند. این لاریها در دریا گیر ماندند، و زمانیکه شورشیان نتوانستند آنها را از دریا بیرون بکشند، از مردم قریه خواستند تا این تیل را جمع نمایند. زمانیکه مردم مصروف جمع آوری تیل بودند، چند ساعت بعد یعنی در ساعات اول صبح چهارم سپتامبر، حمله هوایی بالای این ساحه صورت گرفت. بررسی ها در آن زمان ممکن نبود زیرا تعداد زیادی مردم از اثر آتش خیلی زیاد به خاکستر مبدل گشتند و مشکل بود تا آنها شناسایی گردند. این را نمیتوان انکار کرد که بعضی از افراد طالب در آنجا حضور داشتند، مگر این باید برای شان معلوم می بود که تعداد زیاد از افراد ملکی در نزدیکی آنها نیز وجود داشتند. طبق تحقیقات حقوق بشر یوناما، 74 فرد ملکی به شمول اطفال کشته شدند. با وصف تقاضای مکرر حقوق بشر یوناما از بخش پیگیری تلفات افراد ملکی، آیساف نه متن گزارش غیر محرمانه را پخش نمود و نه فیلم ویدیویی را نشان دادند. در نتیجه این حمله هوایی، چند تن از مامورین عالیرتبه آلمانی بعد



از اینکه روشن گردید که از ارائه اطلاعات حاکی از تلفات و مجروحیت افراد ملکی خودداری ورزیده اند، استعفا نمودند.

برای بخش حقوق بشر یوناما این مایه نگرانی است که تعداد زیاد قربانیان که در این حمله هوایی اعضای فامیل خود را از دست داده یا مجروح گردیده بودند و یا اموال شان تخریب شده بودند از دلیل این حمله هوایی آگاهی نداشتند. آنها اکثراً در این رابطه که کی مسئول انجام این حمله هوایی است معلومات در اختیار ندارند. نبود معلومات و عدم رابطه شفاف با جوامع متأثر، اکثراً موجب ادعای معافیت میگردد. به این معنی که مسئولین چنین اعمال پاسخده شمرده نمیشوند.

### موقعیت پایگاه های نظامی

حقوق بشر یوناما نگرانی های خود را در مورد گزارشات و گفتگوها در رابطه با موضوع موقعیت تأسیسات نظامی در داخل و یا ساحات نزدیک که افراد ملکی در آن قرار دارند، با مقامات آیساف مطرح ساخته است. حضور نظامیان بین المللی در ساحات مسکونی یک نگرانی عمده میباشد. این کار خلاف اصول قوانین بشری بین المللی میباشد که جهت حفاظت مردم ملکی در برابر خطرات ناشی از عملیات های نظامی طرح گردیده است. زمانیکه پایگاه های نظامی در داخل و نزدیک ساحات مسکونی چه در شهر ها و یا مناطق روستایی ایجاد میگردد، یک تهدید امنیتی اضافی را با در نظر داشت حملات گروه های مسلح یا فعالیت های تلافی جویانه قوت های بین المللی بوجود میآورد. وجود پایگاه های قوت های بین المللی میتواند خصومت و دشمنی میان مردم ملکی را بیشتر سازد، بخصوص موقعیکه در نتیجه حضور آنها تلفاتی رخ دهد.

حقوق بشر یوناما واقعات بیشمار حملات راکتی را که توسط عناصر ضد حکومتی بالای پایگاه های آیساف شلیک گردیده و از اهداف شان انحراف نموده، ثبت کرده است. بعضی اوقات، این راکت ها در ساحات که مردم زندگی نمیکند، اصابت کرده اند. اما در خیلی از موارد، شلیک راکت های عناصر ضد حکومتی از اهداف خود انحراف نموده اند و بالای منازل مردم ملکی اصابت کرده اند که تلفات و مجروح شدن شان را نیز در پی داشته است. در ماه می، عناصر ضد حکومتی بالای مرکز قوت های بین المللی یک راکت را در ولسوالی اسمار ولایت کنر شلیک نمودند که در یک مکتب که یک کیلو متر دور تر از پایگاه قرار داشت اصابت نمود. در نتیجه آن هشت دختر مکتب و یک معلم مجروح گردیدند. حقوق بشر یوناما قضایای را ثبت نموده است که حاکی از حملات آیساف بر استقامت های که گمان می رود عناصر ضد حکومتی حملات راکتی را بالای شان انجام داده اند، میباشد که برخلاف در ساحات مسکونی اصابت نموده اند و باعث کشته شدن مردم ملکی گردیده است. حقوق بشر یوناما از حملات تلافی جویانه آیساف بالای عناصر ضد حکومتی که در نزدیکی قریه جات قرار دارند و باعث کشته شدن و زخمی شدن مردم ملکی میگردد، نگران میباشد. نیرو های طرفدار حکومت باید در عمل خود تناسب و تشخیص را در نظر گیرند، بخصوص زمانیکه در مقابل حملات راکتی که از مناطق مسکونی شلیک میگردد، به عمل متقابل دست میزنند. هر اقدام پیشگیرانه باید گرفته شود تا اطمینان حاصل گردد که استفاده از نیروی نظامی منجر به کشته و زخمی شدن ساکنین ملکی نگردد.

### **حمله انتحاری در دروازه قرارگاه آیساف در شهر کابل**

به تاریخ 15 آگست، یک انتحار کننده مجهز با وسیله مملو از مواد منفجره توانست تا از بخش شدید امنیتی بگذرد و واسکت خود را در دروازه ورودی قرارگاه آیساف در یک بخش مستحکم شهر کابل که در چهار اطراف آن سازمان های ملی و بین المللی قرار داشت، منفجر سازد. نظر به گفته سخنگوی طالبان، که مسئولیت این حمله را نیز به عهده گرفت، 500 کیلو مواد منفجره در این وسیله گنجانیده شده بوده. بررسی های حقوق بشر یوناما نشان میدهد که 7 فرد ملکی از بین رفته و 90 تن دیگر جراحت برداشتند.

باوجودیکه پایگاه های آیساف و اردوی ملی افغانستان در ساحات بیرونی شهر ها واقع گردیده، حرکت و گرایش اخیر نشان میدهد که پایگاه های کوچکتر نیرو های امنیتی افغان و برخی اوقات مقامات ملکی ولایتی در بازار های که برای ساحات تجارتي و مسکونی تاسیس گردیده اند، اخذ موقعیت نموده اند. واکنش ها در پی حضور چنین پایگاه ها، به شمول خطرات امنیتی شدید برای مردم ملکی، و تحرک کمتر مردم ملکی و پوسته های تلاشی بیشتر، یک نگرانی عمده را میان مردم متأثر ایجاد نموده است. نیرو های حکومتی و عناصر ضد آن مسئولیت دارند تا تاثیر جنگ مسلحانه را بالای افراد ملکی کاهش دهند. جابجا نمودن پایگاه های نظامی دور تر از ساحات ملکی تلفات مردم ملکی را کاهش میدهد.

### **نیرو های بحری ایالات متحده مستقر در بازار دل آرام، ولایت نیمروز**

یک بخش از نیرو های بحری ایالات متحده در یک پایگاه کوچک در بازار دل آرام ولایت نیمروز اخذ موقعیت نموده است. حضور ایشان با مخالفت شدید مردم مواجه گردیده است. رهبران محل و مقامات از حضور این نیرو ها شاکي اند زیرا آنها به این باورند که این کار زندگی مردم محل را به خطر مواجه ساخته است. حضور شان منجر به تلاشی های بیشتر گردیده زیرا که ولسوال دل آرام نیز در آنجا حضور دارد و مردم محل اکثراً با ولسوال دل آرام ملاقات مینمایند. یک خطر جدی حمله انتحاری در برابر پایگاه وجود دارد و احتمال این می رود که مردم به نام جاسوس های قوت های بین المللی از سوی عناصر ضد حکومت مورد هدف قرار گیرند. حقوق بشر یوناما این نگرانی ها را هم به سطح ولایتی و ملی در میان گذاشته است. در ماه اکتوبر، در یک نشست با پرسونل ارشد آیساف در ولایت کابل، به یوناما خبر دادند که این مکان مسدود گردیده است. هرچند، در بررسی بعدی، یوناما دریافت که این پایگاه الی اخیر دسمبر در آنجا فعالیت داشته است.

طبق قوانین بشری بین المللی، طرفین درگیر باید تا حد امکان از جابجایی اهداف نظامی در داخل و یا نزدیک ساحات پرنفوس خود داری ورزند<sup>5</sup>. این حکم بالای قوت های بین المللی و عناصر ضد حکومتی که غالباً در ساحات مسکونی موقعیت دارند قابل تطبیق است.

### **عملیات های جستجو و دستگیری**

رفتار نیرو های طرفدار حکومت در جریان حملات شبانه و تلاشی ها مایه نگرانی است، بخصوص در مورد استفاده بیش از حد نیرو که منجر به تلفات و جراحت افراد ملکی میگردد. حقوق بشر یوناما 98 قضیه یعنی 16 درصد تلفات مردم ملکی را از اثر این عملیات ها ثبت نموده است. نگرانی حاکی از ادعا های سوء رفتار، روبه

پرخاشگرانه و عدم درک حساسیت فرهنگی، بخصوص علیه زنان بوده است. در نتیجه، یک تعداد تظاهرات در سراسر کشور صورت گرفته و این اعمال را تقبیح نمودند. همچنان، این عمل بحث های را در ولسی جرگه و مشرانو جرگه در مورد تلفات مردم ملکی و حضور نیرو های بین المللی در افغانستان در پی داشت. در ماه اپریل، شورای ولایتی خوست علیه یک تلاشی شبانه که طی آن چهار فرد ملکی به قتل رسیدند اعتصاب نمودند. چندین تظاهرات به تاریخ 8-9 دسمبر در ولایات لغمان و ننگرهار برضد تلاشی شبانه توسط قوت های بین المللی در ولسوالی مهترلام بابا صورت گرفت. عناصر ضد حکومتی نیز از خشم مردم عام در برابر تلاشی ها بهره برداری نموده اند. در ماه اکتوبر، در پی یک ادعای اثبات نشده ای، هتک حرمت به قرآن کریم در یک تلاشی شبانه در ولایت وردک، عناصر ضد حکومتی توانستند تا از احساسات مردم عام استفاده نمایند که به تعقیب آن 15 تظاهرات در سراسر افغانستان از جمله شش مظاهره در شهر کابل صورت گرفت. حقوق بشر یوناما تظاهرات بیشمار را در سراسر کشور برضد تلاشی های شبانه و کشتار مردم ملی توسط قوت های بین المللی ثبت نموده است.

رفتار نیرو های آیساف در تلاشی و عملیات های دستگیری بهتر گردیده است زیرا این عملیات ها یکجا در مساعی با نیرو های امنیتی افغان صورت گرفته اند. هرچند پیشرفت درین زمینه با حملاتی که توسط نیرو های خاص بین المللی و افغان و یا سایر نهاد های حکومتی صورت میگیرد، بطی گردیده است. این حملات اکثراً استفاده بیش از حد نیرو، سوء رفتار، تلفات و جراحت را در پی دارد. این نیرو ها بدون مسئولیت عملیات مینمایند و خشم و احساس مردم را در برابر حضور نیرو های بین المللی بیشتر میسازد.

#### عملیات تلاشی شبانه در مرکز غزنی که کشتار افراد ملکی را در پی داشت

به تاریخ 16 اکتوبر، نیرو های نظامی بین المللی یک عملیات شبانه را در ساحه منگور مرکز ولایت غزنی انجام دادند که در نتیجه آن چهار فرد ملکی به شمول یک دختر ده ساله کشت شدند. قوت های بین المللی و نیرو های امنیتی افغان در نواقت شب داخل یک قریه گردیدند و پنج خانه را تلاشی نمودند، و در موقع داخل شدن در یکی از این منازل آتش گشودند. در نتیجه این حمله، یک پیر مرد هفتاد ساله با پسر 35 ساله، خاتم 60 ساله و نواسه 10 ساله او کشته شدند. همزمان با این، یک سرباز بین المللی در منزل دیگری دستان یک مرد را در عقب بسته نمود و او را یکجا با برادرش، و پسرانش که 17 و 14 سال داشتند به یک مکتب انتقال دادند، سپس در موقع که از ایشان درباره موقعیت یک قوماندان طالب سوال مینمود، بالای شان پورش بردند. این مرد و برادرش از ناحیه سر شدیداً مجروح گردیدند. بعداً، چهار مرد دیگر به شمول یک پسر 13 ساله که دستان شان در عقب بسته بود، به مکتب برده شدند، و در حالیکه از آنها نیز در همان باره سوال میگردید، مورد حمله قرار گرفتند. هر دو گروپ در مکتب باقی ماندند، و بعد از اینکه قوت های بین المللی و افغان ساحه را ترک نمودند، مردم قریه آنها را آزاد ساختند. به تاریخ 18 اکتوبر، طی یک جلسه میان نمایندگان قریه و مقامات ولایتی و نیرو های بین المللی، آنها تصدیق نمودند که اطلاعات شان در این مورد غلط بوده است.

این برای یوناما یک نگرانی است از اینکه اکثراً افراد بدون اینکه خانواده های شان از موقعیت شان واقف باشند دستگیر و بازداشت میگردند، بخصوص در جا های نگهداری میگردند، که دست رسی به دفتر صلیب سرخ نیز وجود ندارد تا فامیل های محبوسین بتواند ازین طریق با عضوی توقیف شده ای خویش در تماس شود. حقوق

بشر یوناما یک تعداد زیاد از قضایا را ثبت نموده که دوستان فرد بازداشت شده به آیساف مراجعه نموده اند تا در مورد موقعیت بازداشت شده گان پرسان نمایند. در این مواقع، آنها نتوانستند تا به پایگاه های عملیاتی نزدیک به قریه جات دسترسی پیدا کنند و این را نمیدانستند تا برای جستجوی اقارب شان به کدام شخص در آیساف مراجعه نمایند، و اکثراً در دروازه جواب منفی بدست می‌آوردند. حقوق بشر یوناما از آیساف می‌خواهد تا اقارب بازداشت شدگان را در مورد موقعیت شان در جریان قرار دهد. مردم زیادی میدانند که عدم پاسخ دهی اعمال قوت های بین المللی فرهنگ معافیت را تقویت میبخشد. زمانیکه واقعات مورد بازجویی قرار نمیگیرند و مرتکبین اعمال به عدالت سپرده نمیشوند، مردم و سایرین میپرسند که قوت بین المللی مسئول اعمالی اند که در مخالفت با قانون حقوق بشر بین المللی قرار دارد.

### **تلاشی ها و حملات علیه مراکز صحتی**

گزارشاتی نیز بدست آمده که به اثر جنگ، بر تاسیسات طبی خسارات وارد گردیده است. در جریان یک جنگ مسلحانه، مراکز صحتی به عنوان یک مرکز ملکی باید از حملات مصئون باشند، به استثنای اینکه طرف های جنگ آنها را بخاطر فعالیت های جنگی شان استفاده نمایند. حتی اگر آنها برای اهداف جنگ بکار گرفته شوند، اصول تناسب و تشخیص باید در نظر گرفته شود. یک شفاخانه ملکی تحت قانون بشری بین المللی باید حفاظت گردد زیرا که جنگجویان مجروح و بیماران را مورد تداوی قرار میدهد. در واقعه 26 آگست، زمانیکه یک فرمانده طالب و دو تن از افراد تحت امرش در یک کلینیک در ولسوالی سر حوزه ولایت پکتیکا تحت معالجه طبی قرار داشتند، کلینیک مذکور مورد حمله هوایی قوت های نیروهای دولت قرار گرفت که در نتیجه این کلینیک قسماً تخریب گردید و تلفات را نیز در پی داشت. یک واقعه دیگر حاکی از آنست که قوت های بین المللی در یک مرکز درمانی که توسط یک انجو در ولسوالی سیدآباد ولایت وردک پیش برده میشد، یورش بردند. طبق گزارشات، این نیرو ها تمام اتاق ها را تلاشی نمودند، و اکثراً این کار را بزور انجام دادند که باعث تخریب اموال گردید. هیچ کسی بازداشت نگردید، و در موقع خارج شدن از این مرکز، به کارکنان صحتی گفتند تا اگر کدام شورشی در این مرکز مراجعه مینماید، به قوت های ائتلاف اطلاع دهند. این کار باعث مسدود شدن این مرکز طبی برای سه روز گردید. آیساف تصدیق نمود که این شفاخانه را تلاشی نموده، و اجازه قبلی اخذ نموده بودند که این ادعا را یوناما نتوانست ثابت کند.

### **عنوان پایین شکل چارت را بخود بگیرد**

#### **تلاشی شفاخانه ولایتی ترینکوت ولایت ارزگان توسط آیساف**

به تاریخ 12 اپریل، بعداً از اینکه قوت های آیساف اطلاع بدست آوردند که جنگجویان طالب در شفاخانه ترینکوت مورد معالجه قرار میگیرند، یک عملیات را براه انداختند. برخلاف اظهارات آیساف که تنها 4 تا 5 نفر در این تلاشی شرکت داشتند، یوناما اطلاع بدست آورده که 40 نفر سرباز مسلح که بداخل 5 وسایل زرهی وارد شدند در این عملیات اشتراک داشتند و تمام اتاق ها را تلاشی نمودند. باوصف اظهارات آیساف مبنی بر اینکه از آنها دعوت بعمل آمده بود، حقوق بشر یوناما این ادعا را نتوانست ثابت کند. حقوق بشر یوناما شکایاتی را بدست آورد که سربازان مردانه در اتاق های زنانه داخل شدند. نگرانی ها زمانی بیشتر گردید که به کارکنان صحتی اجازه داده نشد تا مریضان را که نیازمند توجه عاجل بودند مراقبت نمایند، و بعضی از مریضان نیز نتوانستند تا در جریان

تلاشی داخل شفاخانه کردند. با انجام این کار، افراد مسلکی که در این شفاخانه فعالیت دارند، احساس کردند که این عمل شفاخانه را به یک مکان نا امن مبدل خواهد نمود، و مانع جذب کارکنان صحتی ورزیده خواهد گردید.

### پاسخ دهی و جبران خساره

حقوق بشر یوناما در گزارش سالانه 2008 در مورد تلفات افراد ملکی، خشم روبه افزایش افغان ها را در معافیت طرف های درگیر برای تلفات مردم ملکی و تخریب اموال، بخصوص تلفات که ناشی از عملیات قوت های بین المللی میگردد، یادآوری نموده است.

با تغییر در قومانده و ساختار و اینکه آیساف و قوت های امریکایی حالا تحت یک فرماندهی واحد آیساف قرار دارد، گام های مثبت در بهبود اجرا ات قوت های بین المللی و پاسخدهی به واقعات که تلفات افراد ملکی را در پی دارد برداشته شده است. به گونه مثال، پس از وقوع حادثه کندز در 4 سپتامبر، دو تیم بررسی یعنی یک تیم ارزیابی مشترک و یک تیم بررسی عملیاتی شروع به کار کرد. به تاریخ 5 سپتمبر، جنرال مکرستل از این ساحه دیدن نمود تا بر موقعیت حمله نظر انداخته و با قربانیان حمله ملاقات نماید.

با این هم، باید هماهنگی بهتر میان قوت های مختلف امنیتی وجود داشته باشد، بخصوص کسانیکه خارج از کنترل آیساف عملیات مینمایند. بدون این هماهنگی، عدم حسابدهی قوت های طرفدار حکومت و سایر نهاد های حکومتی میتواند یک نگرانی به شمار رود. خیلی از خانواده های که از عملیات های آیساف و قوت های افغان متضرر گردیده اند، شاکی اند که آنها نتوانستند با قوماندانان داخل قرارگاه دیدن نمایند، حتی آنها نمیدانند که برای جبران خساره از کی پرسش بعمل آورده و به کی شکایت نمایند. طی یک اعلامیه مطبوعاتی در مورد ارائه راپور وسط سال در ماه جولای، کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر بر این موضوع تاکید نمود که همه طرف های درگیر باید تمام اقدامات را اتخاذ نمایند تا از افراد ملکی محافظت و بررسی مستقل در مورد تلفات صورت گیرد و عدالت و جبران خساره برای قربانیان تامین گردد.

حقوق بشر یوناما از تلاش های آیساف مبنی بر رسیدگی به نگرانی ها، به شمول ایجاد سلول های رسیدگی به تلفات افراد ملکی در 2008 بداخل آیساف و OEF استقبال نمود. هرچند با یک آغاز خوب، این بخش در رسیدگی به موقع تقاضا های حقوق بشر یوناما و کار بالای مسایل بعدی با مقامات موثر نبوده است. در قسمت اصلاح این بخش باید تلاش های بیشتر صورت گیرد تا بتواند به واقعات تلفات افراد ملکی رسیدگی نماید.

حقوق بشر یوناما و گروپ حمایت های حقوقی، عمل موضوع تسلیت و پرداخت پول (solatia) را در سراسر کشور مطرح نمودند. این کار نشان میدهد که هیچ معیار متحد الشکل، طرز العمل یا میعاد و میکانیزم میان کشور های مختلف برای پرداخت وجود ندارد که موجب ایجاد پریشانی و خشم در میان افغان های متأثر گردیده است. بتاریخ 9 آگست، یک نامه ای از طرف گروپ حمایه وی کمک های بشری، نگرانی های مختلف را به توجه جنرال مکرستل رسانید که شامل نیاز به یک رویکرد منطقی، هماهنگ و مناسب برای ارائه و تخصیص جبران خساره، شفافیت در میکانیزم های موجود، و ایجاد یک میکانیزم واحد و جامع برای ارائه جبران خساره بود.

## نتیجگیری

افغان ها همیشه امنیت را بالاترین اولویت خود پنداشته اند. از اینکه جنگ مسلحانه افزایش و گسترش یافته است، موضوع امنیت و فقدان آن یک نگرانی عمده برای افغان ها بشمار میرود. اینکه خطرات با کشمکش های خشونت بار توأم بوده و نتیجه عملیات نظامی غیر عمدی است و یا نتیجه فعالیت های غیر مشخص و هدفمند میباشد، افراد ملکی که از این ناحیه رنج میبرد باید تلاش ورزند تا زندگی و معشیت خود را بدون امیدواری به جبران خساره یا اطمینان از اینکه این عمل بار دیگر تکرار نگردد، بهبود بخشند.

سال 2009 خشونت آمیز ترین و مرگ بار ترین سال پس از سقوط طالبان در 2001 بود. از آغاز ثبت سیستماتیک تلفات مردم ملکی در سال 2007، یوناما شاهد بالا ترین رقم مرگ و مجروحیت افراد ملکی در سال 2009 بوده است. نسبت به سال قبل، تعداد بیشتر مردم از اثر این جنگ متأثر گردیدند. طوریکه در سروی سال 2009 که تحت حمایت ICRC صورت گرفت، خیلی کمی مردم در افغانستان اند که از اثر این جنگ ها متأثر نگردیده باشند. درحقیقت کسانی که مستقیماً این تجربه را نموده اند 60 درصد مردم را تشکیل میدهند. در مجموع، تقریباً 96 درصد مردم به طریقی یا به شکل انفرادی و یا در اثر جنگ مسلحانه گسترده متأثر گردیده اند.<sup>6</sup>

استراتژی اعلان شده آیساف مبنی بر اولویت دادن مصئونیت و امنیت افراد ملکی یک انکشاف نیک به شمار میرود زیرا ماه های اخیر 2009 نشان میدهد که چنین پالیسی ها حفاظت افراد ملکی را بالا میبرد. از سوی دیگر، نا توانی یا بی میلی مخالفین مسلح برای کاهش تلفات مردم ملکی و تاکتیک های شان که مستلزم این امر است، مبدل به کشتار زیاد مردم ملکی گردیده است. بر علاوه آن مردم ملکی، بخصوص مردم بی بضاعت و فقیر با از دست دادن اعضای فامیل شان بخصوص مرد ها، نشان دهنده اینست که اطمینان درآمد گاه و بیگاه که برای ادامه حیات آنها حیاتی است پایان یافته است.

با در نظر داشت یک افزایش پیش بینی شده ای واقعات جنگ های مسلحانه در سال 2010، برای شرکا لازم است تا از افراد ملکی بطور مؤثر حفاظت نمایند.

## ضمیمه 1 فرهنگ اصطلاحات لغات فنی

اصطلاحات و اختصارات که در این گزارش از آن استفاده بعمل آمده است:

**AGEs:** عناصر ضد حکومتی. این عبارت دربر گیرنده همه افراد و گروه های میباشد که در حال حاضر در برخورد های مسلحانه علیه حکومت افغانستان یا قوای نظامی بین المللی در گیر میباشند. آنان را که "طالبان" می نامند و افراد و گروه های را که بر اساس مقاصد مختلف تحت عناوین مختلف علیه حکومت فعالیت می نمایند، احتوا می نماید.

**ANA:** اردوی ملی افغانستان

**ANP:** پولیس ملی افغانستان

**ANSF:** نیرو های امنیت ملی افغانستان؛ این واژه عام بوده و پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی را احتوا می نمایند.

**BBIED:** مواد منفجره تعبیه شده و جابجا شده در بدن؛ به IED رجوع کنید.

**BTIF:** توقیفگاه جنگی بگرام

**تلفات:** بدو نوع میباشد:

- **مستقیم:** تلفات مستقیم ناشی از محاربه مسلحانه گردیده، و شامل تلفاتی است که از اثر راه اندازی عملیات های نظامی نیرو های طرفدار دولت (قوت های حکومت افغانستان و قوت های نظامی بین المللی) بوجود میآید. مانند وقایع مربوط به محافظت نیرو ها، حملات هوایی، عملیات تلافی و دستگیری و عملیات های ضد شورش یا "جنگ علیه تروریسم". همچنان این تلفات از اثر فعالیت های عناصر ضد حکومتی مانند قتل های هدفمند، مواد انفجاری تعبیه شده، مواد انفجاری تعبیه شده در وسایط و بدن و یا درگیری مستقیم با نیروی های حکومتی صورت میگیرد.
- نوع دیگر تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از برخورد ها ناشی می گردد که شامل تلفات بوسیله مواد منفجره باقی مانده از جنگ، مرگ در زندان، مرگ و میر در جریان جنگ به سبب امراض و یا هنگام که مراقبت طبی وجود نداشته و یا آماده نباشد. این تلفات همچنان شامل مرگ و میری است که در آن اندازه مسوولیت بطور یقینی تعیین شده نمیتواند مثلاً در تیر اندازی های دوجانبه و با لآخره تلفات که از اثر منازعات میان قبایل بجا میماند.

**ملکی/ غیرنظامی:** هر شخص که در مخاصمات نقش فعال نداشته باشد منحیث افراد ملکی تلقی میگردد. همه افراد ملکی و کارکنان عامه که برای مقاصد نظامی از آنان استفاده نمی گردد مانند استادان، کارکنان کلینیک های صحتی و سایرین که در وظایف خدمات عامه مصروف میباشند، اشخاص سیاسی و کارمندان در تحت این اصطلاح لیست میگردند. همچنان به عساکرو یا هر کسی دیگر که در حالت خارج از جنگ قرار دارند چه به سبب جراحت بوده و یا تسلیم گردیده باشند و یا اینکه بنابر دلیلی از جنگ دست کشیده باشند نیز ملکی گفته میشود. علاوه اشخاص که کارمند یا عضو پولیس ملکی یا نظامی بوده که در عملیات های ضد شورش استفاده نمی گردند و هم در اوقات رخصتی به آنان ملکی اطلاق میگردد.

**اطفال:** مطابق کنوانسیون حقوق طفل به هر شخص که در تحت سن 18 (0 الی 17) قرار داشته باشد طفل گفته میشود. ارقام جراحات ها در اطفال کمتر گزارش داده میشوند زیرا معلومات در مورد سن افراد مجروح اکثراً در دسترس نبوده یا گزارش داده نمیشود.

**COM-ISAF:** فرماندهی آیساف؛ به ISAF رجوع کنید.

**وقایع مربوط به محافظت قوا:** حالاتیکه افراد ملکی هنگام رسیدن ویا سبقت از قطار نظامی به هشدار پرسونل نظامی اعتناً ننموده و یا به دستورات در پوسته های نظامی توجه ننمایند. و نیز محافظت قوا هنگامی رخ میدهد که افراد به تأسیسات نظامی خیلی نزدیک بوده و به هشدار پرسونل نظامی توجه و اعتناً ننمایند.

**حکومت افغانستان:** حکومت جمهوری اسلامی افغانستان

**ساحه خدمات بشری:** لغاتنامه بشری دفتر ملل متحد برای هماهنگی امور بشری (OCHA) واژه خاص برای ساحه خدمات بشری نداشته ولی این واژه را بقسم مترادف محیط کاری بشری تذکر داده است: که یک عنصر عمده برای ادارات و سازمان های بشری بوده که یک محیط کاری بشری را ایجاد و برقرار میدارند. لغاتنامه متذکره ادامه میدهد: "...رعایت از اصول کلیدی بیطرفی، در رسیدگی فعالیت های بشر دوستانه ابزار اساسی را ارائه میدارد که بوسیله آن میتوان به هدف عمده رسیدگی به رنج و عذاب مستحقین در هر محلی که باشد، نایل آمد. در نتیجه، قایل بودن به یک فرق واضح میان نقش و کارکرد فعالین بشری و نظامی یک فکتور مصمم در ایجاد محیطی که یک سازمان خدمات بشری در آن انجام وظیفه و مسوولیت می نماید رول بسزای دارد". محیط یا ساحه خدمات بشری همچنان احتوا میکند، بطور مؤثر و بدون خطر این را که هر شهروند حق دسترسی به معاونت های نجات دهنده و نگهدارنده حیات دارند.

**ICRC:** کمیته جهانی هلال احمر

**IED:** مواد انفجاری تعبیه شده. بمب که به شیوه متفاوت از شیوه های معمولی نظامی ساخته شده و تعبیه میگردد. این نوع از مواد میتواند بصورت حمل در بدن یا عراده جات و غیره در عملیات های انتحاری نیز مورد استفاده قرار گیرد.

**حوادث:** واقعات که در آن منازعات مسلحانه سبب تلفات ملکی میگردد. گزارش تلفات که از اثر فعالیت های جرمی و غیره بوجود میآید، شامل گزارشات تلفات ملکی یوناما نمیگردد.

**قوای IM:** "قوای نظامی بین المللی" شامل همه عساکر خارجی که آیساف و قوای امریکایی (بشمول OEF) را تشکیل میدهند، که همه در تحت فرماندهی قوماندان آیساف (COM-ISAF) میباشند. این واژه همچنان دربرگیرنده آنده از نیرو های میباشند که تحت فرماندهی قوماندان آیساف فعالیت نمی نمایند مثلاً بعضی از نیرو های خاص (Special Forces).

**جراحات:** شامل جراحات فزیکي به درجات مختلف میگردد. میزان شدت جراحات در پایگاه اطلاعاتی (database) حقوق بشر یوناما وجود ندارد. جروحات شامل قضایای شوک و آسیب روحی نمیگردد.

**ISAF:** قوت های همکاری امنیتی بین المللی در افغانستان. آیساف براساس فصل هفتم منشور ملل متحد مسوول انجام مأموریت تنفیذ صلح میباشد. این قوت ها براساس صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام گردیده اند. مطابق تقاضای سازمان ملل متحد و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، ناتو در آگست سال 2003 میلادی فرماندهی آیساف را بدست گرفت. قوت های آیساف در حال حاضر 80000 عسکر از 43 کشور سهم داشته که در پنج زون ساحوی و 26 تیم بازسازی



ولایتی تنظیم یافته اند. از ماه نوامبر 2008 به اینطرف فرماندهن آیساف منحصیث قوماندان قوای امریکایی (تعداد آن تقریباً 30000) نیز ایفای نقش می نماید ولی با آن هم سلسله مراتب فرماندهی از هم مجزا است. در سال 2010 تعداد مجموعی قوای آیساف تقریباً به 100000 خواهد رسید.

**NATO:** سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو کشور های عمده کمک کننده قوای نظامی به آیساف میباشد. به آیساف توجه کنید.

**NDS:** ریاست امنیت ملی، اداره خدمات استخباراتی دولت افغانستان.

**OEF:** "عملیات آزادی پایدار" نام رسمی که ایالات متحده برای سهم گیری اش در جنگ افغانستان استفاده می نمایند که در تحت چتر عمومی مبارزه علیه تروریزم جهانی قرار دارد. قابل تذکر میباشد که عملیات آزادی پایدار یک عملیات مشترک ایالات متحد و قوت های افغان بوده که از آیساف که متشکل از کشور های ناتو، امریکا و کشور های کمک کننده قوا میباشد، مجزا میباشد. اکثریت قوت های امریکایی که در تحت برنامه عملیات آزادی پایدار فعالیت داشتند از اکتوبر 2008 به اینطرف با "قوای امریکایی در افغانستان" ملحق شدند (درذیل توجه نمائید) که تحت فرماندهی جنرال مک کریستل که همچنان قوماندان آیساف میباشد، قرار دارند.

**OGAs:** سایر ارگان های حکومتی. این واژه به فعالین معین امنیتی مانند CIA (اداره استخبارات مرکزی) ارتباط میگیرد که در زیر سلسله فرماندهی نظامی فعالیت ندارد. اکثراً مسوولیت فرماندهی چنین عناصر غیر روشن میباشد.

#### نیرو های طرفدار حکومت:

● **نیروهای حکومت افغانستان:** تمام قوت های که در همه عملیات های نظامی یا شبه نظامی ضد شورشی فعالیت داشته و بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در کنترل حکومت افغانستان قرار دارند. این قوت ها شامل اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی و امنیت ملی افغانستان میباشد.

● **نیرو های نظامی بین المللی و سایر ارگان های حکومتی.**

**PRTs:** تیم های بازسازی ولایتی. این تیم ها دارای کارکنان نظامی و ملکی بوده که درچوکات فرماندهی ساحوی آیساف در ولایات افغانستان کار می نماید تا درکار های بازسازی همکاری نماید. نقش آنان همکاری با مقامات محلی در ایجاد و تأمین امنیت در ساحه میباشد.

**UNDDSS:** بخش امنیت و مصئونیت سازمان ملل متحد.

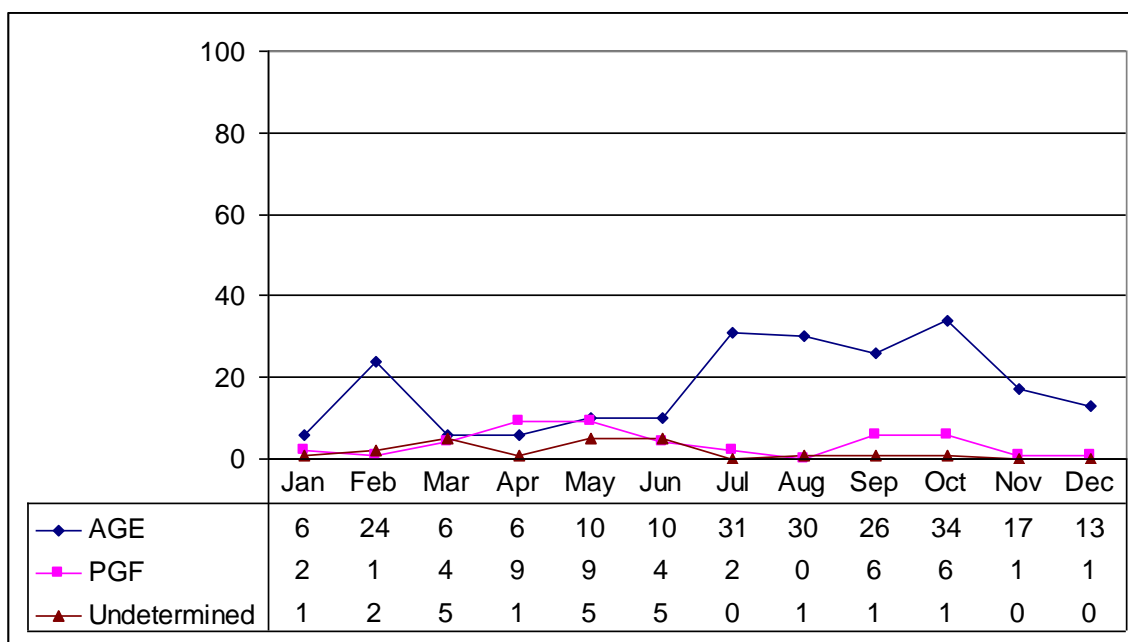
**قوای امریکایی در افغانستان:** یا "USFOR-A" مقرر فرماندهی و کنترل قوای امریکا در افغانستان میباشد. فرماندهی USFOR-A را جنرال مک کریستل بعهده دارد که در عین زمان قوماندان ناتو/آیساف نیز میباشد. مطابق این تصمیم گیری که در اکتوبر 2008 نافذ گردید قوای که بقسم جزء عملیات آزادی پایدار فعالیت داشتند در تحت کنترل عملیاتی USFOR-A قرار داده شدند. سلسله مراتب فرماندهی آیساف و عملیات آزادی پایدار مجزا و متمایز باقی میباشد.

**VBIED:** مواد منفجره تعبیه شده و جابجا شده در عراده جات؛ به IED رجوع کنید.

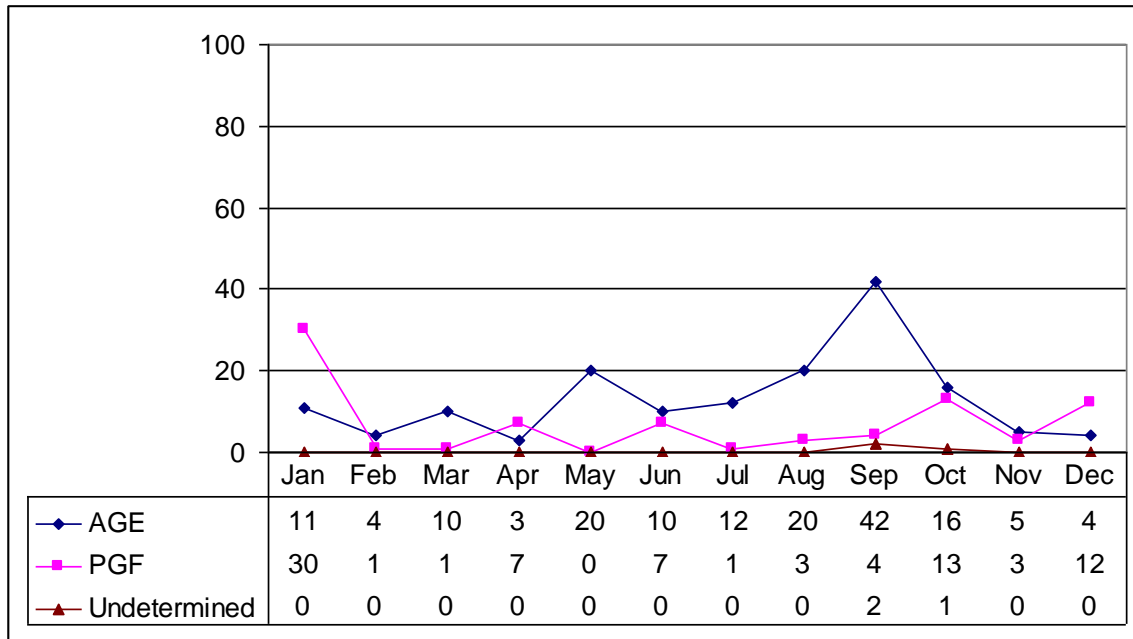
## ضمیمه 2 گراف های الحاقی:

این چارت ها نشان دهنده تلفات افراد ملکی در منازعات مسلحانه سال 2009 میباشد که به اساس ساحه، ماه و طرف مسوؤل تقسیم بندی گردیده است. هنگام تحلیل چارت ها توجه گردد که اسم ساحات توسط یوناما قرار ذیل تعریف گردیده اند: مناطق مرکزی ( ولایات کابل، پنجشیر، وردک، لوگر، پروان و کاپیسا)، مناطق مرکزی مرتفع (بامیان و دایکندی)، شرقی ( ننگرهار، لغمان، کنر و نورستان)، جنوب شرقی ( غزنی، پکتیا، پکتیکا، خوست)، جنوبی (هلمند، کندهار، نیمروز، ارزگان و زابل)، شمال شرقی (کندز، تخار، بدخشان و بغلان)، شمالی ( بلخ، سمنگان، جوزجان، سری پل و فاریاب)، غربی (هرات، فراه، بادغیس و غور). بنابر وقایع نادر و اندک در مناطق مرکزی مرتفع، چارت برای این مناطق تهیه نگردیده است.

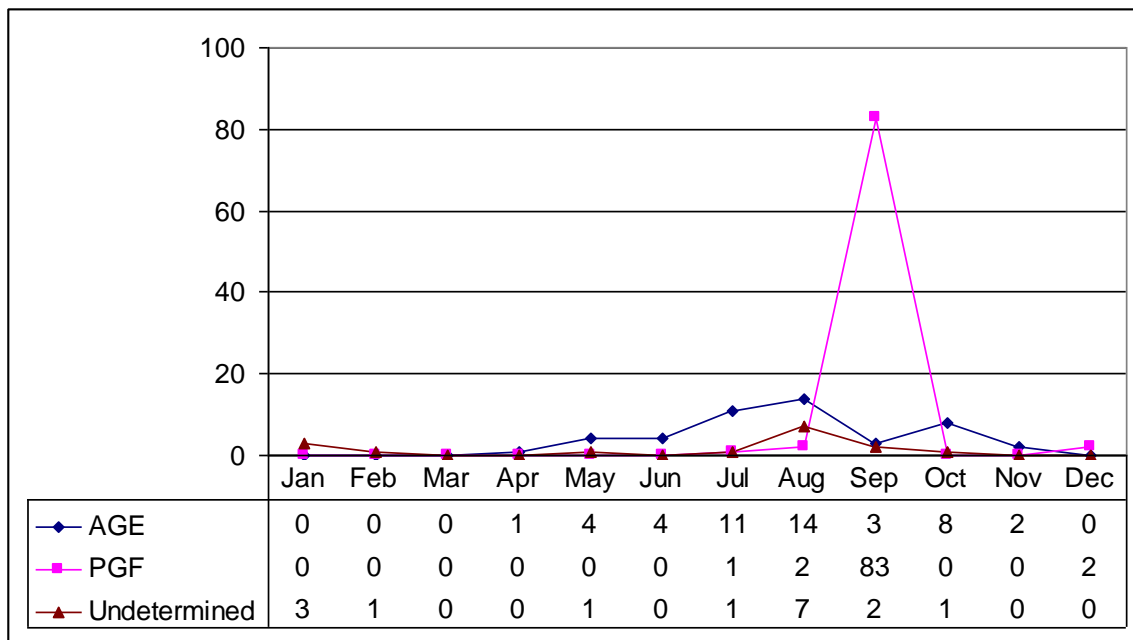
### مناطق مرکزی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه و طرف مسوؤل)



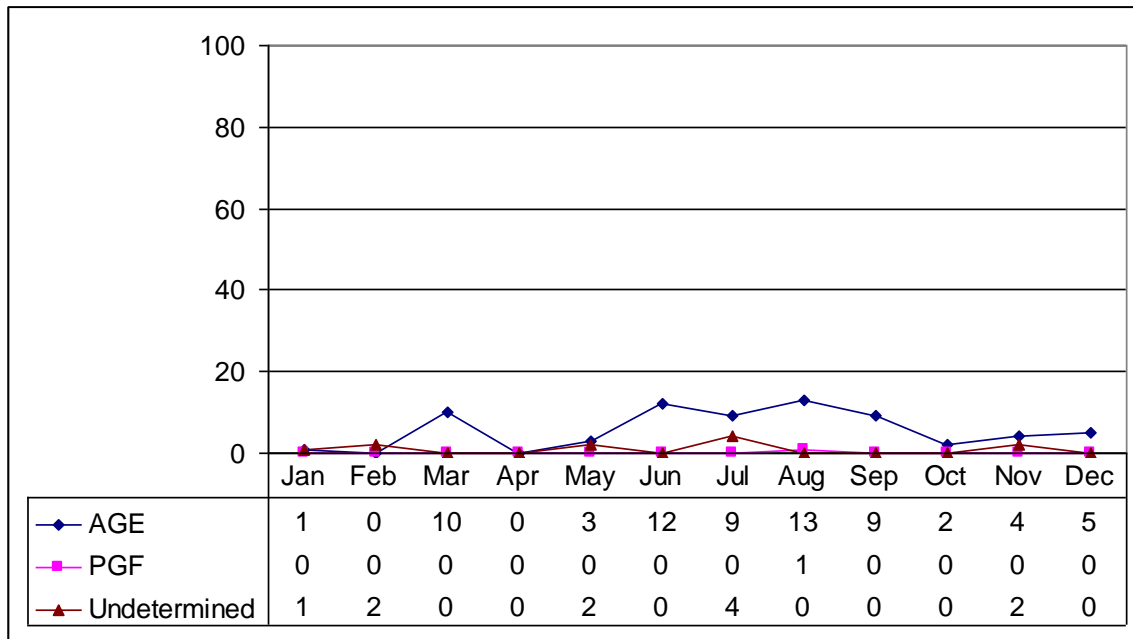
مناطق شرقی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوؤل)



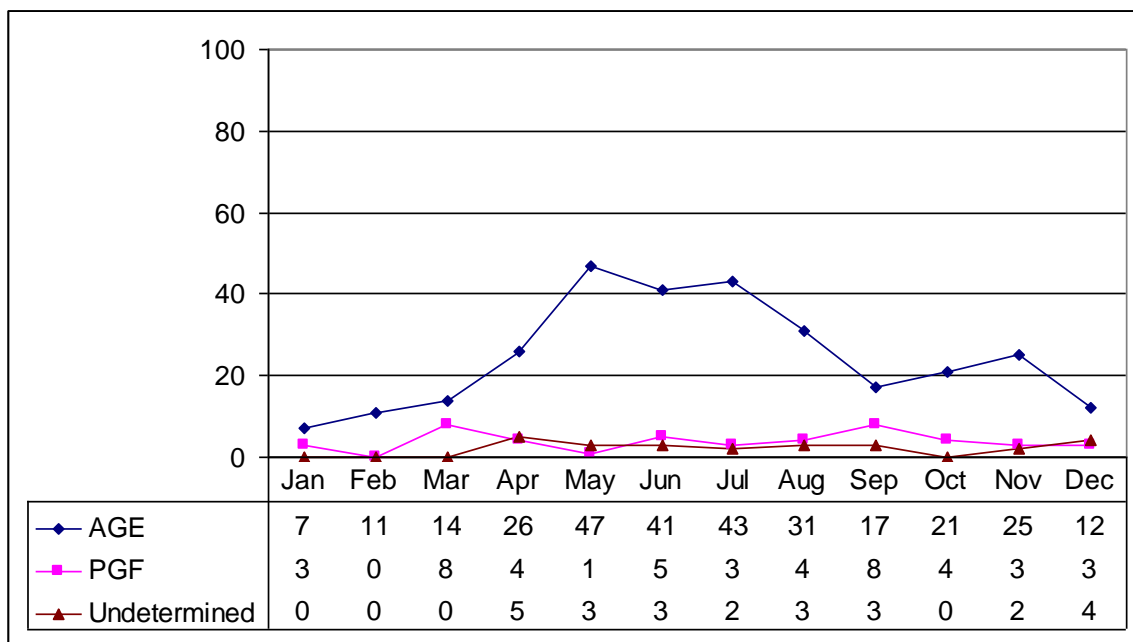
مناطق شمال شرقی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوؤل)



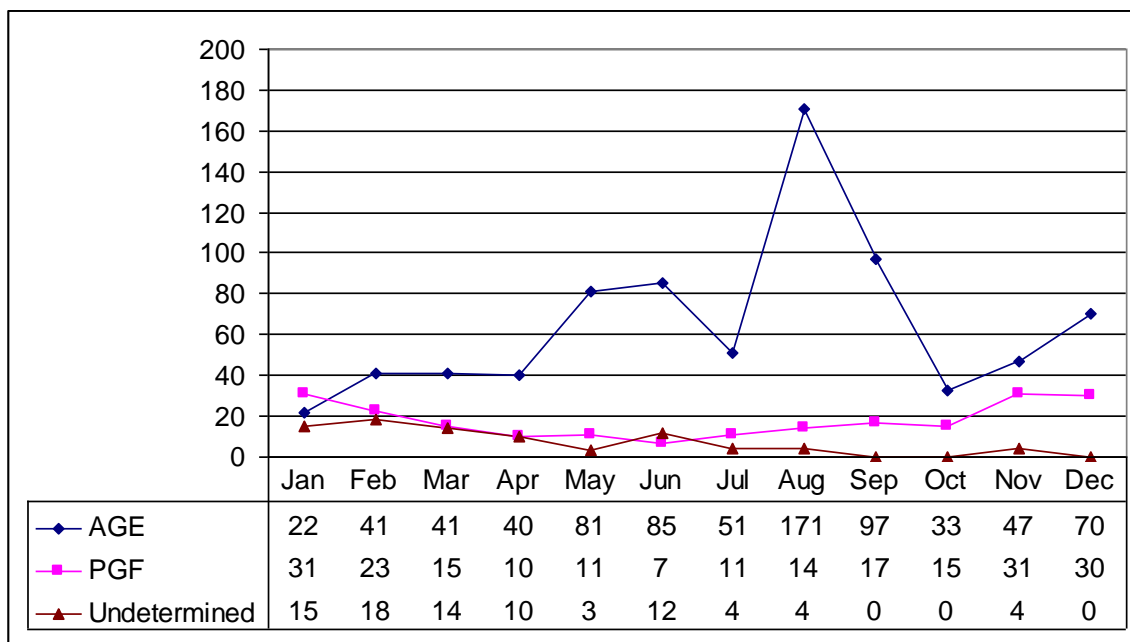
مناطق شمالی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوول)



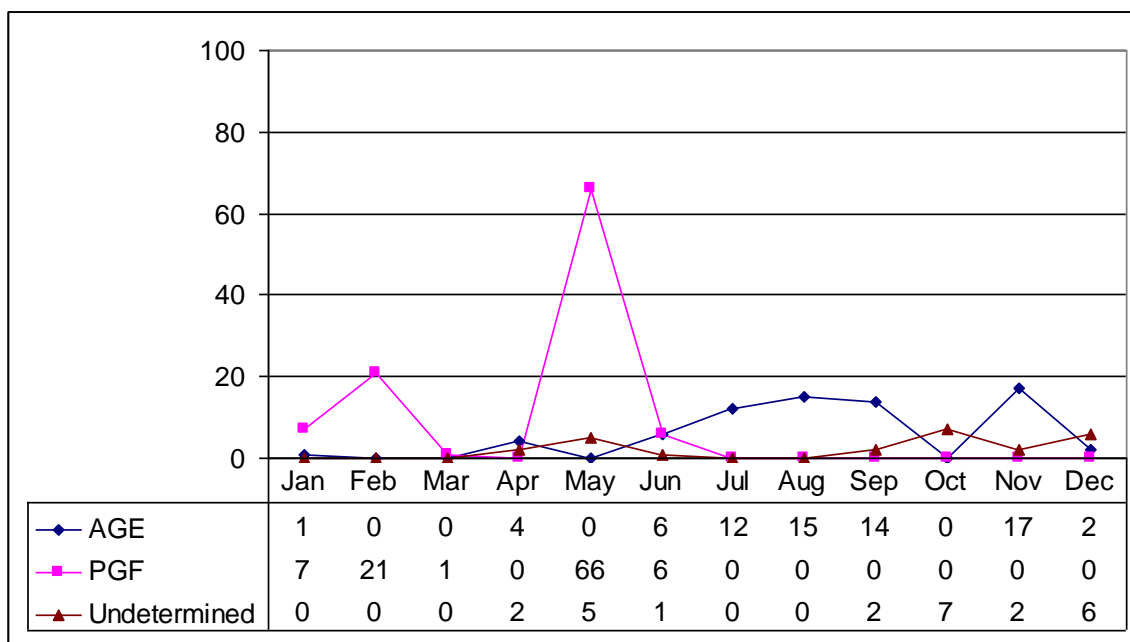
مناطق جنوب شرقی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوول)



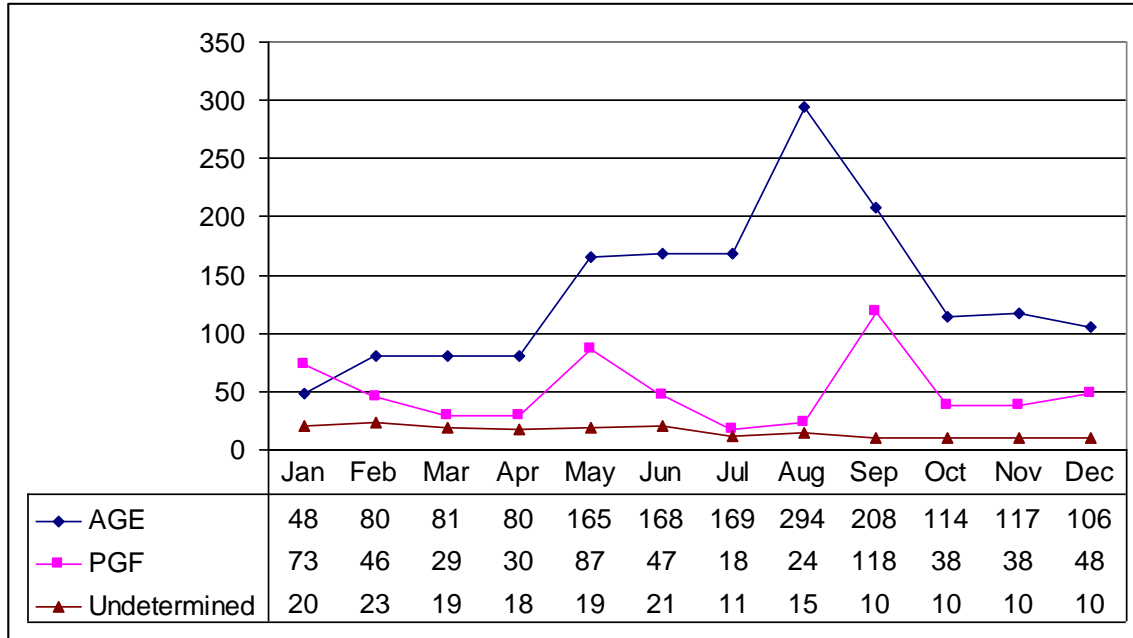
مناطق جنوبی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوؤل)



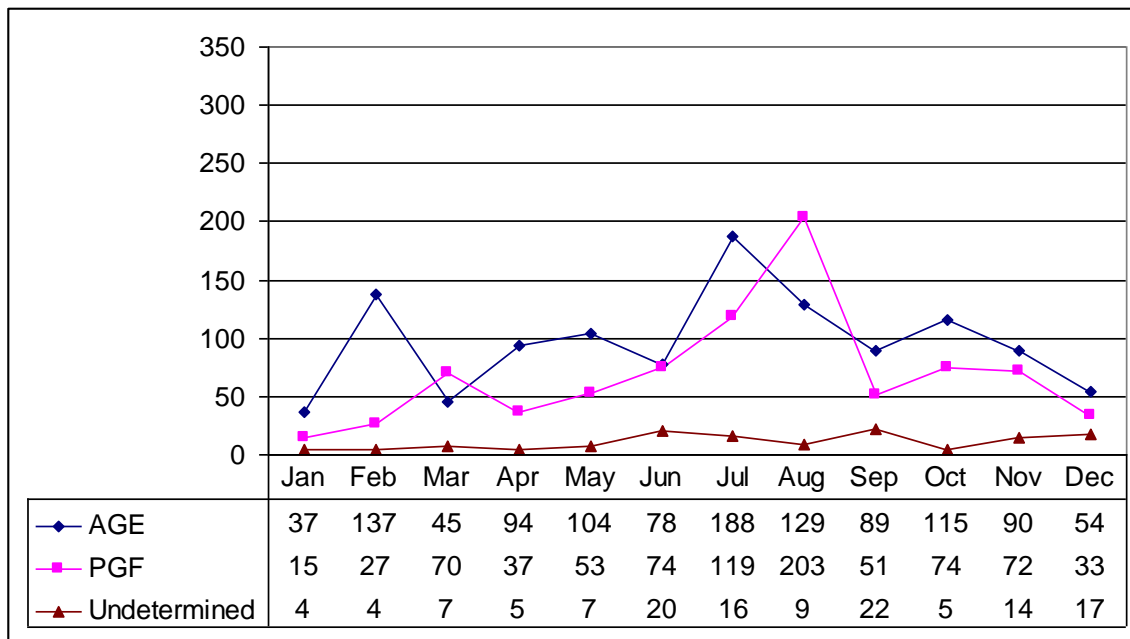
مناطق غربی: گزارش تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوؤل)



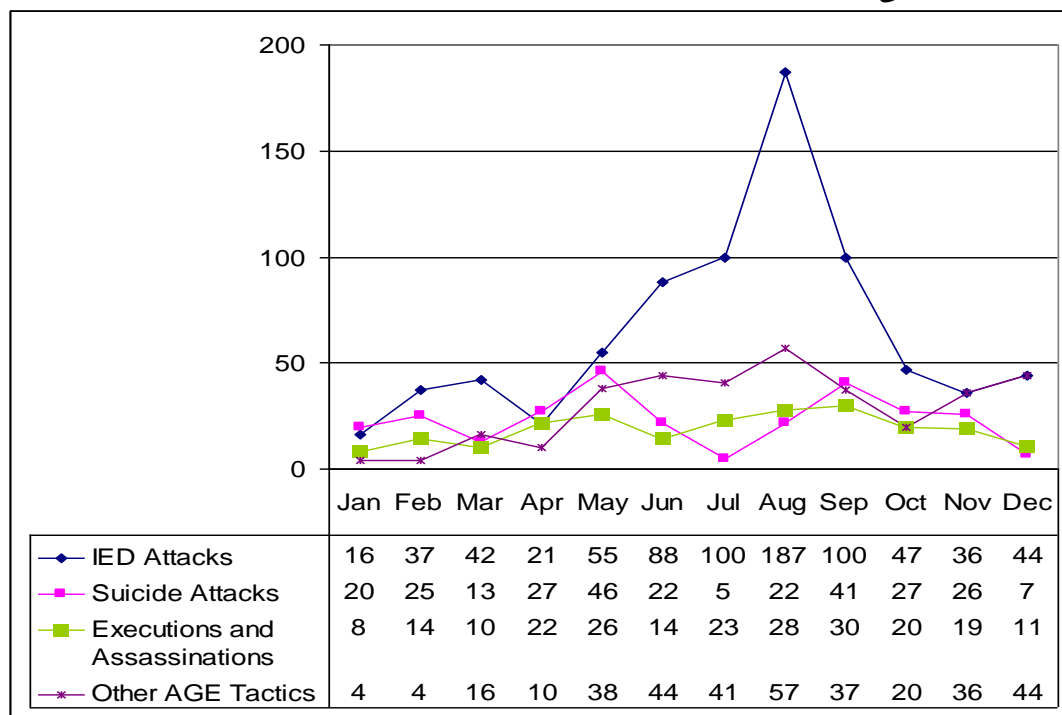
افغانستان: گزارش رقم تلفات افراد ملکی در سال 2009 بر مبنای (ماه، طرف مسوؤل)



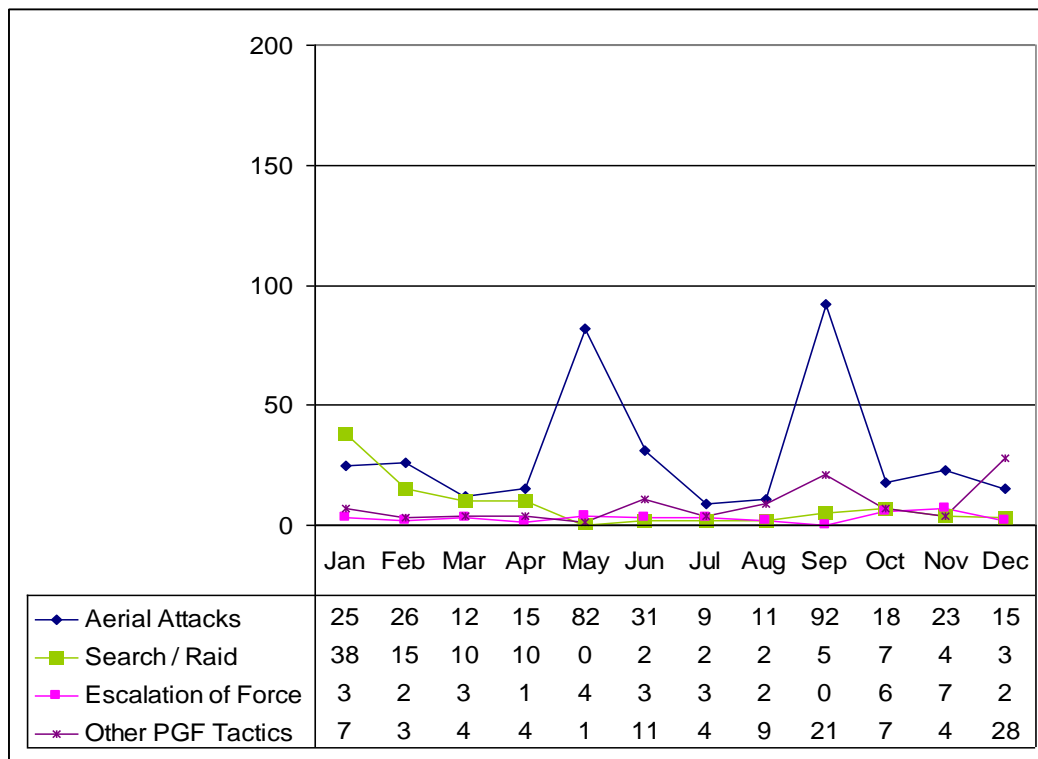
افغانستان: گزارش رقم تلفات افراد ملکی در سال 2008 بر مبنای (ماه و طرف مسوؤل)



تلفات افراد ملکی منسوب به عناصر ضد حکومت، که بر مبنای ماه و تکتیک تهیه شده است.



تلفات افراد ملکی منسوب به قوت های طرفدار حکومت، که بر مبنای ماه و تکتیک تهیه شده است.





## صلاحیت و وظیفوی، نقش و اسلوب محافظت افراد ملکی

### صلاحیت یوناما در رابطه به محافظت ملکی ها

حقوق بشر یوناما فعالیت‌های را در جهت ارتقاء و محافظت از حقوق بشر راه اندازی می نماید که در مطابقت با مصوبه ۱۸۶۸ (۲۰۰۹)، پاراگراف ۴ (جی)، شورای امنیت که از حقوق بشر یوناما می خواهد تا از احوال مردم ملکی نظارت، و کوششها را در جهت محافظت ایشان، در جهت تطبیق کامل آزادی های اساسی و مصوبه های حقوق بشر قانون اساسی افغانستان و موافقتنامه های بین المللی که افغانستان دران دولت عضو می باشد هماهنگ سازد. راپور هذا به تعقیب همین مأموریت ترتیب گردیده است.

ستراتیژی حقوق بشر یوناما برای محافظت از ملکی ها تمرکز حقوق بشر یوناما روی کاهش تأثیر جنگ های مسلحانه بالای مردم ملکی می باشد که معلومات مرتبط با وقایعی مشخص تلفات ملکی را جمع آوری، نظارت، تحلیل و تجزیه و ستراتیژی های حمایتی را به اساس معلومات بدست آمده بوجود می آورد. چنین ستراتیژی ها مشتمل از حمایت مستقیم از قوت‌های نظامی طرفدار حکومت، مقامات حکومتی افغان، اعضای پارلمان و وزرای دولت، مأموریت دیپلماتیک و سفارت خانه ها، نمایندگی های ملل متحد، و مؤسسات ملی و بین المللی می باشد. دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر و حقوق بشر یوناما در گروه محافظت که توسط انجمن بشری در سال ۲۰۰۸ تأسیس شده بود هم منحصراً معاون مشترک و مسئول عمده برای کار های محافظتی که روی تأثیرات مستقیم و عاجل جنگ بالای مردم ملکی، مشغول بوده است. دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر و حقوق بشر یوناما بصورت فعالانه در اولویت بندی پروژه های محافظتی برای پلان عمل بشری در سال ۲۰۱۰ نیدخل بوده است.

اهداف عمومی حقوق بشر یوناما از نظارت و گزارش دهی اثرات جنگ مسلحانه با لای مردم ملکی قرار ذیل است:

- بوجود آوردن احترام میان جوانب درگیری برای قانون بشری بین المللی، قانون حقوق بشر بین المللی، قانون اساسی و سائر قوانین افغانستان جهت به حد اقل رساندن تلفات ملکی که کشته یا زخمی یا به عباره دیگر از اثر جنگ مسلحانه شدیداً متضرر می شوند.
- مساعدت برای تمام جوانب مرتبط ذینفع تا محافظت ملکی ها را که از اثر جنگ مسلحانه متضرر می شوند ارتقاء بخشند.
- بوجود آوردن ستراتیژی های حمایتی و هماهنگی به مقصد کاهش اثرات جنگ مسلحانه بالای ملکی ها. و
- آگاهی دهی مردم، چه در افغانستان و چه خارج از افغانستان در مورد اثرات جنگ بالای مردم ملکی.

### اسلوب

معلوماتی را که در تألیف گزارشات بکار رفته است توسط حقوق بشر یوناما از یک سلسله منابع، دفاتر ساحوی و ولایتی یوناما که در سرتاسر افغانستان قرار دارد بدست آورده است. زمانیکه گزارش وقایع بدست می آید حقوق بشر یوناما تحقیقات مستقلانه را راه اندازی می نماید تا گزارش های ابتدائی را تأیید یا رد نماید. ارقام تلفات ملکی که از طرف حقوق بشر یوناما گزارش داده شده است نتیجه تحقیق و گزارشاتی است که توسط تیم کارمندان تهیه و براساس مأموریت نظارت شورای امنیت ترتیب گردیده تا در اثربخشی قانون بین المللی مساعدت نماید. حقوق بشر یوناما تمام راپور های دریافت شده از تلفات ملکی را که از جنگ مسلحانه بر می خیزد تحقیق می نماید بدون قایل شدن امتیاز که کدام گروه، نهاد یا مقامی مسئول می شود. حقوق بشر یوناما گزارشات تلفات ملکی را تحقیق می نماید و ازین جهت از منابع وسیع و معلومات گوناگون بهره می گیرد. تمام منابع و معلوماتی را که آنها تهیه می کنند جهت اطمینان از صحت و سقم آن تحلیل و تجزیه می شود. در پیشبرد تحقیق، تحلیل و تجزیه یک واقعه ویژه، حقوق بشر یوناما می کوشد تا تمام معلومات را از منابع وسیع قابل دسترس که شامل شهادت متضرر، خویشاوندان متضرر، و شاهدها، کارمندان صحتی، رؤسای انجمن ها، رهبران دینی، و بزرگان قومی، قوت‌های نظامی طرفدار دولت، محلی، ولایتی، و کارمندان بلند رتبه حکومت مرکزی، ریاست حفاظت و امنیت ملل متحد (یو ان دی اس اس)، رسانه های جمعی، گزارشات چاپی و اسناد و دیگر منابع ثانوی را تأیید و بازرسی می نماید.

تا جاییکه ممکن باشد تحقیقات بر شهادت ابتدایی متضررین و یا شاهدان واقعه و محل واقعه متکی می باشد. در بعضی حالات، اساساً محدودیت های امنیتی با عث عدم دسترسی شده و تا این سطح تحقیق ممکن نمی باشد. در چنین موارد حقوق بشر یوناما به تکنیک های توسل می جوید و از منابع وسیعی استفاده می کند تا معلومات را از شبکه های مورد اعتماد بدست آورد. قسمیکه تا به حال خاطر نشان گردید، تمام معلومات قابل دسترس جهت مؤثق بودن و معتبر بودن ارزیابی می شوند.

تمام کوشش ها بخرج داده می شود تا مطمئن شویم که معلومات مندرج در گزارش یوناما در وقایع خاص جامع باشد. بهر حال، چنین معلوماتی لزوماً جامع نیست. جاییکه حقوق بشر یوناما در رابطه به مدارک اثباتیه در مورد یک قضیه خاص قانع نباشد راپور داده نمی شود. در بعضی موارد قبل از اینکه نتیجه گیری شود ممکن چندین هفته را در بر بگیرد. این بدان معنی است که نتیجه گیری تلفات ملکی ایکه از واقعه خاصی بوجود می آید ممکن زمانی توجیه گردد که معلومات بیشتری جمع آوری شده و تحلیل و تجزیه گردد. به هرصورت، جاییکه معلومات مبهم است، نتیجه گیری صورت نخواهد گرفت تا زمانیکه مدارک قناعت بخش بدست نیاید یا قضیه بدون نتیجه بسته خواهد شد و یا در گزارشات احصائیوی یا رویدادهای تحلیلی و تجزیوی ضم نخواهد شد. طوریکه معلومات طبق روزتازه می شود و نتیجه و آمار تغییر می یابد این منتج به اختلاف جزئی بین آمار یک ماه به ماه دیگر گردآوری می شود می گردد.

نظر به محدودیت های که در ماحول عملیاتی وجود دارد، حقوق بشر یوناما مسئولیت تلفات ملکی را به گروه خاص فرعی نسبت داده نمیتواند مگر اینکه وقایع را (تا جاییکه ممکن باشد) به قوتهای طرفدار دولت و مخالفین آن منسوب سازد. در ارتباط به قوتهای طرفدار دولت، عملیات ها اغلباً طور مشترک بین قوای نظامی دولتی و قطعات قوای نظامی بین المللی راه اندازی می شود بار ها منابع معلوماتی قادر نبوده اند تا بین عناصر مختلف همان قوتها و سلسله مراتب تفکیک بعمل آمده و به اساس آن مسئولیت مشخص بتواند نسبت داده شود. آیساف اغلباً اشتراک مستقیم در یک واقعه مشخص را انکار کرده، میگذارند تا مرجع مربوطه مستقیماً مسئولیت را بپذیرد چراکه قوتهای دیگر نظامی که در کشور عمل می کنند بصورت مستمر با حقوق بشر یوناما ارتباط بر قرار نمی نمایند که آیا آنها در ساحه جنگ حاضر بودند یا خیر. حقوق بشر یوناما تمایز مسئولیت مستقیم را استنتاج می نماید، چنین محدودیتی ممکن گمراه کننده باشد زیرا در بسا موارد، ممکن نیست که بطور شایسته بین اجزای قوای نظامی افغان یا قوای نظامی بین المللی که بصورت واقعی ذیدخل بوده است تفکیک گردد. بهمین سان، طبیعت شورشیان مسلح که مرکب از گروه های مختلف اند که لزوماً به حیث طالب شناخته نمی شوند و تحت یک خط عمل نمی کنند و به یک هدف واحد و مفکوره تحریک نمی شوند اینرا مشکل می سازد که مسئولیت واقعی در ارتباط به تلفات ملکی را به افراد یا گروه خاصی از مخالفین دولت نسبت دهیم. این بصورت خاص همینطور خواهد بود زیرا مدارک اثباتیه حتی شاهدان عینی بصورت درست بین شان فرق قابل شده نمی توانند.

در بعضی از وقایع، وضعیت غیرنظامی متضررین که گزارش داده می شود بحث بر انگیز می شود. در چنین قضایای حقوق بشر یوناما از تمام معلومات دست داشته خود و همچنین از ستندرد های حقوق بشر بین المللی رهنمود میگیرد. این بدان معنی است که حقوق بشر یوناما طبقه ذکوری را که در سن جنگ قرار دارند بصورت خود بخودی ملکی تلقی نمی کند. مگر اینکه چنین ادعا ها نظر به حقایق مشخص موجودی که در رابطه به واقعه در دسترس باشد مورد ارزیابی قرار بگیرد. بنابراین، اگر حالت غیر جنگی ای یک یا بیشتر متضررین زیر شک باقی می ماند، چنین کشته شده ها شامل تلفات عمومی ملکی نمی گردد.

در روشنی آنچه گفته شد حقوق بشر یوناما ادعا نمیکند که آماری که ارائه شده است مکمل می باشد. قضیه شاید این باشد که بنا بر محدودیت های اسلوبی ایکه در فوق تذکر یافت حقوق بشر یوناما تلفات ملکی را کمتر گزارش داده است.

### مسئولیت های حقوقی جوانب شامل درگیری

شرایط جاری در افغانستان کاملاً پیچیده می باشد، شامل خصومت های مسلحانه بین حکومت افغانستان و شرکای آن ( قوای نظامی بین المللی) و شورشیان مشتمل بر افراد و گروه های دارای سوابق مختلف، انگیزه ها، و ساختار های فرماندهی، به انضمام آنها که طور مثال طالبان، شبکه حقانی و دیگران توصیف می شوند.

تمام جوانب درگیری های مسلحانه تحت حقوق بین المللی مسئولیت دارند که از مردم ملکی و غیر نظامیان محافظت نمایند و تأثیرات عملیات شانرا علیه مردم ملکی و زیربناهای ملکی بحد اقل برسانند.

ماده سوم که شامل میثاق های چهارگانه ژنیو است، حد اقل معیار ها را ایجاد می کند تا جوانب درگیری های مسلحانه آنها را در درگیری های غیر بین المللی رعایت نمایند. ماده سوم رسیدگی قانون بین المللی را در حالاتی که در بین قلمروی یک کشور دارای حاکمیت، اتفاق می افتد نه تنها بازیگران دولتی را بلکه همچنان بازیگران غیر دولتی را که مشمول درگیری های مسلحانه اند، به پیروی و می دارد.

مقررات عرفی قانون بشری بین المللی همچنان بالای جوانب درگیری های مسلحانه در افغانستان قابل تطبیق می باشد. بدین ملحوظ، سازمان های بین المللی قضائی تعدادی از نورم های راکه شامل میثاق های ژنیو و پروتوکول های الحاقی آن می باشد تصریح کرده اند که فعلاً بخشی از قانون بین المللی عرفی می باشد<sup>7</sup> و این بیشتر توسط کمیته صلیب سرخ بین المللی تأیید گردید که تعدادی از مقررات میثاق های چهارگانه ژنیو و پروتوکول های الحاقی (1) آن قوت قانون بین المللی عرفی و اینکه بیشتر این مقررات طور یکسان در درگیری های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی تطبیق می شود<sup>8</sup>. و این مقررات قرار ذیل اند:

- تمایز: مردم ملکی در برابر حمله محافظت می شوند، جز اینکه در خصوصتها سهم مستقیم داشته باشند، و حمله یا حملات نباید علیه اهداف ملکی صورت گیرد<sup>9</sup>.
- تناسب: راه اندازی حمله ای که احتمالاً باعث از بین رفتن زندگی مردم ملکی، زخمی شدن آنها، خسارات به اهداف یا اشیای ملکی یا ترکیبی از هر دوی آنها، که ممکن در ارتباط به مفیدیت مستقیم نظامی پیش بینی شده ممنوع می باشد<sup>10</sup>.
- احتیاط در حمله: "در راه اندازی عملیات نظامی، توجه دوامدار باید مبذول گردد تا مردم ملکی و اهداف ملکی هدف قرار نگیرد و ازان دوری شود". تمام احتیاط های عملی بکار گرفته شود تا از کشتن، زخمی شدن تصادفی و خسارت ببار آوردن به اهداف ملکی اجتناب صورت گیرد<sup>11</sup>.
- علاوه بر قانون بشری بین المللی، سازمان های دیگر حقوقی به سهم گیری شان دوام داده اند. هیچ چیزی مانع محاکمه شورشیان تحت قوانین جزایی کشور متبوع نمی شود. ستندرد های حقوق بشر بین المللی که دولت یک عضو آن می باشد یا آنکه بخشی از عرف قانون بین المللی را می سازد در حالات درگیری های مسلحانه به کار برد خود دوام داده است<sup>12</sup>. اعضای قوت های نظامی طرفدار حکومت همچنان در برابر تخلفات از قانون بشری بین المللی و مقررات حقوق بشر بین المللی حسابده می باشند.

<sup>1</sup> قانون عرفی بشردوستانه بین المللی "استفاده انسان بحیث سپر" را ممنوع قرار میدهد. این بدان معنی است که در عین موقعیت قرار دادن قصدی اهداف یا افراد ملکی و نظامی یا اشخاص که درگیر در جنگ نیست، به نیت جلوگیری از آماج قرار گرفتن آن اهداف نظامی ممنوع است. (مطالعه صلیب سرخ، مقرر 97 همچنان پروتوکول 1 ماده 57 (7). داخل شدن به منزل یک خانواده و مانع شدن آن از ترک منزل بخاطر مصونیت شان بمنظور جلوگیری از حمله دشمن یک مثال استفاده از "انسان بعنوان سپر" میباشد.

<sup>2</sup> مصاحبه با حامد کرزی "سایت انترنتی الجزیره 14 فیبروری 2009.

<sup>3</sup> مطالعه شود تحقیق آی سی آر سی ماده 65

<sup>4</sup> هزینه جنگ: تجارب افغانها از جنگ 1978 الی 2009. نهاد مدنی افغان، جریان دیموکراسی و صلح، نهاد دفاع از حقوق زنان، مرکز هماهنگی برای افغانستان، مرکز تعلیم و تربیه برای زنان و دختران بی بضاعت افغانستان، اکسفام برتاینه کبیر، سازمان رفاه بشری، نهاد انکشافی سنایی و دفتر ارتباط - نومبر سال 2009.

<sup>5</sup> دیده شود تحقیق آی سی آر سی ماده 23-24

<sup>6</sup> آی سی آر سی جهان ما، نظریات از ساحات - افغانستان، سروی نظری سال 2009، آی سی آر سی ژنیو، سویتزلند 2009

<sup>7</sup> دیده شود، بگونه مثال، سارنوالان آی سی تی وای در برابر زوران کورسکی، قضیه شماره آی تی 95 - 16 تی (14 جنوری سال 2000) پاراگراف 524

<sup>8</sup> آی سی آر سی قانون عرفی بین المللی بشری، ژان ماری هینکیتس و لویز داسوالد بیک (سی یو پی / آی سی آر سی کمبریج سال 2005) تحقیق آی سی آر سی.

<sup>9</sup> مطالعه شود تحقیق آی سی آر سی ماده 6، 7

<sup>10</sup> مطالعه شود تحقیق آی سی آر سی ماده 14

<sup>11</sup> مطالعه شود تحقیق آی سی آر سی ماده 15

<sup>12</sup> دیده شود فعالیت های مسلحانه در اراضی کانگو (جمهوری دیموکراتیک کانگو در برابر یوگندا) راپورتران آی سی آر سی 2005، پاراگراف 219.